



ماهنامه سیاسی اقتصادی

سال اول / شماره یک / ۱۴۰۱/۰۶/۲۰ / قیمت: ۴۰,۰۰۰ تومان

سرمایه گذاری های بین المللی چین در زمان شی جین پینگ



پوتین
هنوز هم رفقای در غرب دارد



گرسنگان افغانستانی
بهای جنگ اوکراین را می پردازند

فهرست

آغاز سخن

۴

۶

جنگ اوکراین چگونه بر جهان تأثیر می‌گذارد

۸

بوتین هنوز هم رفقایی در غرب دارد

۱۱

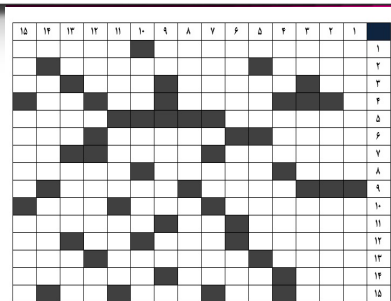


گرسنگان افغانستانی، بهای جنگ اوکراین را می‌پردازند

اثرات مخرب جنگ روسیه در اوکراین، کشورهای وابسته به گندم مانند افغانستان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

جدول

هر شمارهٔ نهضت، یک جدول دارد که شما می‌توانید با حل آن و ارسال تصویر جدول حل شده به ایمیل نهضت، به قید قرعه، برنده یک سال اشتراک رایگان ماهنامه سیاسی اقتصادی نهضت شوید.



۱۳

۱۴



داستان و حکایت

در هر شمارهٔ ماهنامهٔ نهضت، داستان‌ها و حکایت‌هایی منتشر می‌شود که جنبهٔ آموزندهٔ آن، از منظر سیاسی اجتماعی، برجسته و حائز اهمیت باشد. در این شماره، «حرف مفت نزن» و «گنجشک و آتش» را با هم می‌خوانیم.

مطالب، لزوماً انعکاس دیدگاه‌های ماهنامه
نهضت نمی‌باشد.

ماهنامه در دخل، تصرف و تلخیص مقاله‌ها
آزاد است.



ماهنامه سیاسی اقتصادی | پیاپی: ۰۰۱

چهل صفحه - ۴۰ هزار تومان

صاحب امتیاز، مدیرمسئول و سردبیر:
مصطفی امینی

هیات تحریریه شماره اول:



احمد امینی
مصطفی امینی
نجمه امینی

نقل مطالب این ماهنامه با ذکر منبع،
بلامانع است.

آدرس: تهران، جلال آل احمد، کریمان، یوسف پور،
یاسمن، همت، ساختمان شماره ۲، واحد ۴۲۶

تلفن: ۰۲۱-۹۱۰۳۰۸۹۷

نشانی اینترنتی: www.nehzatmag.ir
پست الکترونیک: nehzat.ir@gmail.com

۱۵

مَش مُراد / معرفی نامه

۱۶

سرمایه گذاری های بین المللی چین
در زمان شی جین پینگ

پیامدهای بلند مدت طرح کمر بند و جاده و طرح بانک
سرمایه گذاری زیرساخت آسیایی

۳۸

همه چیز تجارت نیست؛ ایران امروز نیازمند
دولت رفاهی ثبات آفرین است

خواهشمند است با ارسال آراء و
نظرات خود درباره ماهنامه نهضت،
ما را در کیفی‌تر کردن شماره‌های
بعدی یاری رسانید.





نَهضتی برای آگاهی، تقویت جامعه مدنی و توسعه ایران اسلامی

آغاز سخن

دنیای امروز، مملو از نهضت هایی است که برای تحول و تعالی، برای رشد و توسعه، برای آبادانی و پیشرفت و برای تأمین امنیت همه جانبه و ثبات سیاسی پایدار در تکاپو هستند؛ نهضت هایی که در هیاهوی تغییرات پرسرعت جهانی، تأمین و تضمین منافع و مصالح ملی و گروهی را دنبال می کنند.



دههٔ دوم قرن بیست و یکم بیش از پیش، با کشف پرسرعت و بی سابقهٔ فناوریهای نو و تولید محتواهای پرشمار مصادف شده است و لازم است هر ملّتی در این روزگار رقابتی، سطح آگاهی خود که به نظر نگارنده، همانا آگاهی دربارهٔ محیط زیست، اقتصاد، سلامت و فناوری است را بهبود بخشد چرا که عرصهٔ زندگی شهروندان در جهان امروز به دلیل پیشرفتهای علمی و تکنولوژیک، روز به روز پیچیده تر می شود و جهانی در حال تولد است که در آن افراد به طور فزاینده ای نیاز به درک و تصمیم گیری مناسب محلی در مورد مباحثات متعدد جهانی، از جمله منابع انرژی جایگزین، تغییرات اقلیمی و تکنیکهای نوظهور پزشکی و فناوریهای نوین دارند.

لازمهٔ این عمومی شدن آگاهی و دانش، کوچ یافته ها و دستاوردها از مراکز آکادمیک و پژوهشکده های تخصصی به عرصه های عمومی ست. فلذا جراید، مطبوعات و رسانه های برخط عمومی، مهمترین مأمن و بستر نشر فراگیر این آگاهی ها، فارغ از شتاب زدگی ها و خلاصه نویسی های شبکه ای هستند.



نهضت، با آگاهی نسبی از تحولات جهانی و با شناخت مسئولیت های اجتماعی روزنامه نگاری در عصر حاضر، پا به عرصه فعالیت حرفه ای مطبوعاتی گذاشته است تا نهضتی باشد برای آگاهی، تقویت جامعه مدنی، توسعه ایران اسلامی، ترویج و تعالی اقتصاد موّلد و دانش بنیان و تلاش منسجم برای نشر عمومی مفاهیم مرتبط با چندجانبه گرایی در حوزه های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و امنیت جهانی.

را دنبال کند و خدمتی در جهت آگاهی بخشی به افکار عمومی باشد.

از آنجایی که رویکرد تحریریه نهضت، رویکرد تعاملی است و علاقه مند به انتشار آراء و اندیشه های مخاطبان است، علاقه مندان می توانند، آثار، نظرات و آراء خود را در قالب فایل ورد، به آدرس ایمیل nehazt.ir@gmail.com ارسال نمایند.

با دعای خیر و حمایت شما مخاطبان عزیز، تلاش خود را به کار خواهیم بست تا نهضتی باشیم برای آگاهی، تقویت جامعه مدنی، توسعه ایران اسلامی، ترویج و تعالی اقتصاد موّلد و دانش بنیان و تلاش منسجم برای نشر عمومی مفاهیم مرتبط با چندجانبه گرایی در حوزه های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی جهانی.

با تقدیم احترام

مصطفی امینی

صاحب امتیاز، مدیرمسئول و سردبیر نهضت

همانطور که در مجوز فعالیت و انتشار این ماهنامه عمومی به شماره مجوز ۸۸۲۷۵ ثبت شده در سامانه جامع رسانه های کشور آمده است؛ نهضت ماهنامه ای الکترونیک، غیر برخط و متمرکز بر حوزه های سیاسی و اقتصادی است. دفتر مرکزی این ماهنامه در تهران؛ پایتخت ایران اسلامی است و شماره های این ماهنامه، به صورت الکترونیک و بر بستر وب، منتشر می شود.

آدرس دسترسی، دانلود و مطالعه این ماهنامه، عبارت است از دامنه: nehzatmag.ir؛ همچنین این ماهنامه در آژانس خبری ایصال نیز قابل مشاهده و دریافت خواهد بود. البته در ادامه تلاش خواهیم کرد، توزیع برخط نهضت در دامنه ای گسترده تر، دنبال شود.

تلاش تحریریه نهضت، علاوه بر تولید و ترجمه محتواهای ناب، کاربردی و غیر تکراری در حوزه های اقتصادی و سیاسی، توسعه زیرساختی و نرم افزاری این ماهنامه است تا در آینده ای نه چندان دور، در قالب اپلیکیشن، وبسایت چندرسانه ای و متصل و همگام با شبکه های اجتماعی، رسالت حرفه ای خود





جنگ اوکراین چگونه بر جهان تأثیر می گذارد؟

*صندوق بین المللی توسعه کشاورزی

-ترجمه: مصطفی امینی

تداوم حیات سیستم های غذایی پایدار و امکان توسعه پایدار بدون صلح امکان پذیر نیست. جنگ و ناامنی غذایی دست به دست هم می دهند تا تلاطمی جهانی را رقم زنند. با ادامه جنگ در اوکراین، صندوق بین المللی توسعه کشاورزی، نه تنها در مورد بحران انسانی، بلکه در مورد تأثیر افزایش قیمت ها و کمبود محصولات اصلی بر آسیب پذیرترین مردم جهان نیز به شدت نگران است.

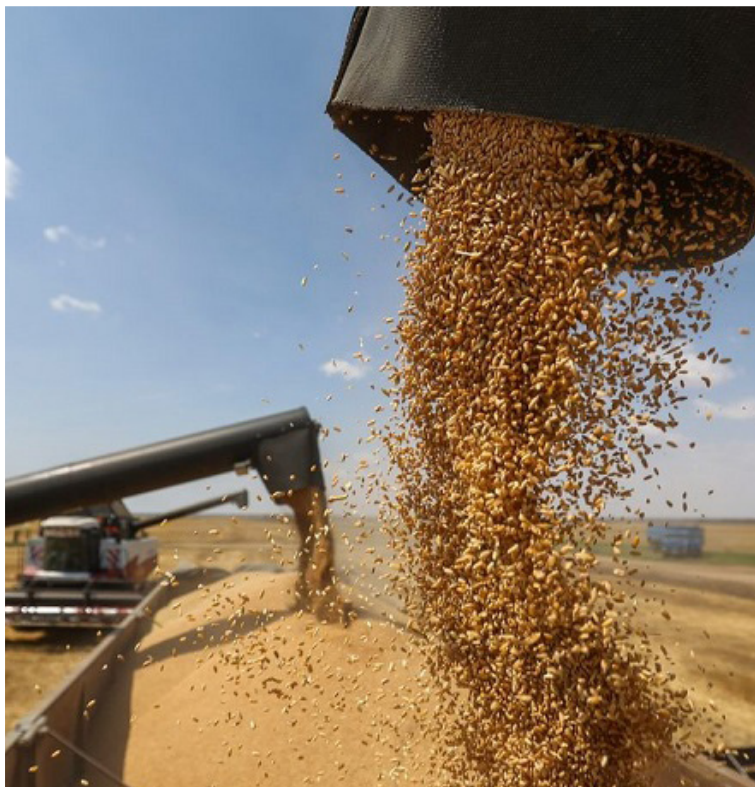
در دنیای جهانی شده، درگیری در یک منطقه، تأثیرات فراوانی در سراسر کره زمین دارد.

اوکراین و روسیه تامین کنندگان عمده جهانی گندم، گاز، کود و سایر کالاهای مهم هستند. اختلال زنجیره تامین، در حال حاضر آثار منفی اقتصادی و مالی فراوانی دارد، به ویژه در کشورهای در حال توسعه که برای مقابله با کووید ۱۹ و تغییرات آب و هوایی نیز تلاش می کنند.

نوسانات عرضه و قیمت باعث افزایش بیشتر بدهی ها، محدود کردن چشم انداز رشد و اختلال در سیستم های جهانی غذا می شود. این مهم نگران کننده است چرا که درگیری در یک منطقه اغلب می تواند باعث ناآرامی در منطقه دیگر شود زیرا ناامنی غذایی و تورم، فقر و بی ثباتی اجتماعی را تشدید می کند.

* شوک های قیمتی منجر به ناامنی غذایی می شود

روسیه و اوکراین حدود یک سوم صادرات جهانی گندم را تشکیل می دهند، در حالی که کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا بیش از نیمی از ذخایر غلات خود را از این منطقه وارد می کنند. هشتاد و پنج درصد از واردات گندم مصر تنها از منطقه دریای سیاه انجام می شود.



برداشت محصول از مزارع اوکراین در بحبوحه جنگ

* چگونه اقتصاد جهانی تحت تاثیر قرار می گیرد

جنگ در اوکراین اثرات منفی شدیدی بر بدهی ها، چشم انداز رشد جهانی و نرخ ارز دارد. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی تخمین می زند که رشد اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۳ حداقل ۱ درصد کمتر از پیش بینی ها خواهد بود، در حالی که تورم جهانی می تواند حتی تا حدود ۲/۵ واحد درصد افزایش یابد. افزایش قیمت ها به دلیل جنگ، باعث افزایش بار بدهی و کاهش بودجه توسعه بسیاری از کشورهای می شود که قبلاً توسط همه گیری کرونا آسیب دیده اند. این اثرات اقتصادی چرخه معیوب بدهی و بهره وری پایین را تقویت می کند.

* تجربه زیسته و پاسخ صندوق بین المللی توسعه کشاورزی

پاسخ اولیه صندوق بین المللی توسعه کشاورزی به جنگ در اوکراین، حفاظت از معیشت و دارایی های تولیدی کشاورزان کوچک مقیاس و فقرای روستایی، حصول اطمینان از اینکه آنها می توانند فصل های کاشت و برداشت آبی را برآورد کنند، و امنیت غذایی فوری آنها خواهد بود. این به معنای اطمینان از دسترسی تولیدکنندگان به منابع کلیدی برای تولید، منابع مالی، زیرساخت ها و اطلاعات است.

تجربه اخیر ما در واکنش به همه گیری کووید-۱۹، و همچنین در طول بحران های غذایی قبلی، بر اهمیت اطمینان از دسترسی فوری به منابع برای کمک به مردم برای ایجاد تاب آوری، با بالا رفتن قیمت ها و مختل شدن بازارها تأکید می کند.

به عنوان یک آژانس تخصصی سازمان ملل متحد و موسسه مالی بین المللی، صندوق بین المللی توسعه کشاورزی به طور منحصر به فردی متمرکز بر انجام این کار است. صندوق دارای سابقه گسترده ای در سرمایه گذاری در ایجاد تاب آوری میان مدت و بلند مدت، با استفاده از داده ها و پروژه های موجود به عنوان مبنایی برای پاسخ های کوتاه مدت و متمرکز است. / پایان

در کشورهایی که تولید تامین کننده نیازهای غذایی شان ناکافی است، افزایش قیمت ناشی از محدودیت صادرات، تهدیدی برای تشدید مشکلات و تشدید گرسنگی است. بسیاری از کشورهای آسیب پذیر ممکن است نتوانند با شوک های طولانی مدت کنار بیایند. لبنان ۸۰ درصد گندم خود را از روسیه و اوکراین وارد می کند. با توجه به انفجار در بندر بیروت در سال ۲۰۲۰، که سیلویهای غلات بزرگ کشور را ویران کرد لبنان می تواند تنها به ارزش یک ماه گندم در هر زمان ذخیره کند. با ناامنی غذایی ۲۲ درصد از خانواده ها، جنگ طولانی در اوکراین، عواقب شدیدی در لبنان خواهد داشت. در کشورهایی مانند نیجر، چاد، بوركینافاسو و مالی، بیش از نیمی از جمعیت در فقر شدید زندگی می کنند. جنگ؛ موانع تجاری، کاهش واردات مواد غذایی، آسیب پذیری های آب و هوایی، و تشدید پیامدهای ویران کننده کرونا را پدید می آورد تا طوفانی هولناک از ناامنی غذایی در این مناطق به شدت آسیب پذیر ایجاد کند.

* کشاورزی در جاهای دیگر در معرض تهدید است

اختلال در زنجیره تامین جهانی نهاده های کشاورزی، مانند کود و گاز، به دلیل جنگ می تواند پیامدهای منفی بلندمدتی برای تولیدکنندگان کوچک داشته باشد، به ویژه با شروع فصل کاشت جدید و با کمبود کود یا گاز طبیعی و افزایش قیمت ها. به عنوان مثال، دو سوم مردم در جمهوری آفریقای مرکزی در فقر زندگی می کنند. یک محدودیت عمده برای بخش کشاورزی یک کشور، ذخیره ضعیف نهاده های کشاورزی است. افزایش قیمت ها بر مصرف و بازده تأثیر می گذارد و بار اضافی بر امنیت غذایی کشور و کاهش فقر وارد می کند. به طور مشابه، در سومالی، حدود ۳/۸ میلیون نفر در حال حاضر به شدت در ناامنی غذایی به سر می برند. هزینه های برق و حمل و نقل که به دلیل افزایش قیمت سوخت افزایش یافته است، تأثیر نامتناسبی بر کشاورزان خرده پا داشته است که برای بقای خود به کشاورزی تغذیه شده از آبیاری با موتورهای دیزلی متکی هستند.



IFAD
INTERNATIONAL
FUND FOR
AGRICULTURAL
DEVELOPMENT



نویسنده: جاناتان فریدلند



پوتین هنوز هم رفقای در غرب دارد؛ رفقای که شمارشان در حال افزایش است

تصویر ولادیمیر پوتین که تنها در انتهای میزی طولانی در کرملین نشسته است شاید یکی از تصاویر ماندگار این جنگ را ثبت کرده باشد اما این تصویر بسیار فریبنده است زیرا گر چه هر روز خبر تازه ای از یک حمله وحشتناک دیگر پوتین در اوکراین منتشر می شود از جمله حمله موشکی به کراماتورسک، اما شواهد بسیاری هم نشان می دهد که وی تنها نیست و دوستانی حتی در اتحادیه اروپا دارد.

واکنش یکپارچه اتحادیه اروپا به جنگ اوکراین ممکن است با حضور ویکتور اوربان دوامی نداشته باشد. ما باید امیدوار باشیم که مارین لوپن هم به او ملحق نمی شود. به طور طبیعی، اگر چه پوتین در میان برخی رهبران جهان، چه در مینسک، دمشق یا پکن، متحدانی دارد، اما او در جاهایی که کمتر مورد انتظار است نیز دوستان صمیمی بالقوه ای دارد. رهبر روسیه دوستان قدرتمندی در پشت خطوط دشمنانش دارد و گر چه هواداران غربی او از زمان تهاجمش به اوکراین، مجبور به مواضع دوپله شده اند، اما شمار آنها روز به روز در حال افزایش است.

واضح ترین نمونه، ویکتور اوربان، پیشگام دموکراسی غیرلیبرال در غرب است که اخیراً برای چهارمین دوره، در مقام حکمرانی مجارستان تثبیت شده است. اشتباه است که بگوییم او "دوباره انتخاب شد"، زیرا ممکن است به معنای یک انتخابات واقعی قلمداد شود حال آنکه اینطور نبوده است چرا که اوربان، رسانه های مجارستان و کل دستگاه های دولتی را کنترل می کند. مطمئناً، او باید در طول مبارزات انتخاباتی، طرفداری اش از مکتب پوتینیسم را کاهش می داد. او پناهندگان اوکراینی را پذیرفت و با تحریم های اتحادیه اروپا علیه مسکو همراه شد. اما اکنون می تواند به واقعیت خود برگردد.



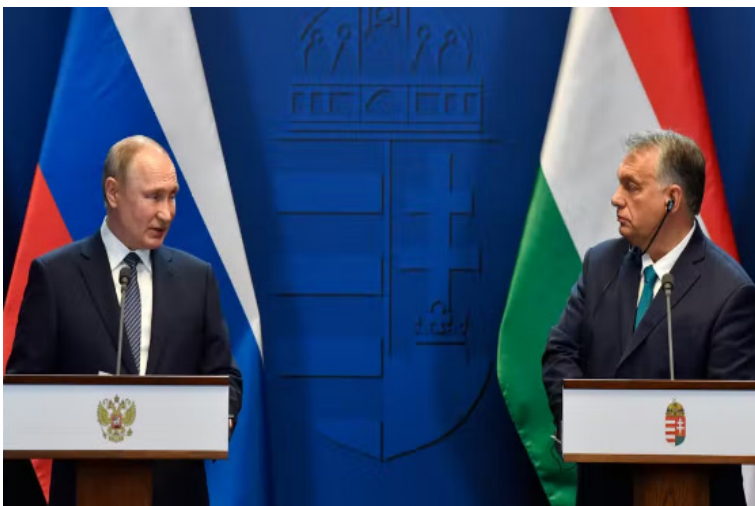
لوپن اگر چه در انتخابات فرانسه باخت اما توانست با بازسازی سرمایه اجتماعی حزبش، تبدیل به وزنه ای قدرتمند در صحنه سیاسی فرانسه شود.



مارین لوپن رهبر حزب اجماع ملی فرانسه

او با داشتن اکثریت مطلق در بوداپست و یک کرسی در شورای اروپا در بروکسل به طولانی ترین رهبر اتحادیه اروپا تبدیل شده است. همانطور که یکی از ناظران باتجربه اروپا می گوید؛ وقتی نوبت به جبران لطف پوتین و خرابکاری اقدامات یکپارچه اتحادیه اروپا برسد، اوربان می تواند این لطف را جبران کند و با توجه به اینکه شاهکلید توفیق پاسخ غرب به تهاجم روسیه به اوکراین، وحدت بوده است و اتحادیه اروپا و ناتو با اجماع کار می کنند، یک خرابکار می تواند نقش دیگران را خنثی کند!

با این حال، پوتین چشم به یک هدیه کم نظیرتری هم دوخته است. پیوندهای لوپن با پوتین از همه آشکارتر است. در اکتبر ۲۰۱۴، حزب او ۹ میلیون یورو (۷/۵ میلیون پوند) از یک بانک روسی وام گرفت تا بودجه کمپین خود را برای انتخابات محلی تامین کند. اگر چه اوربان و لوپن نگاه ها را به سمت خود جلب می کنند زیرا آنها یا در مقام های عالی هستند یا به طرز وحشتناکی به آن نزدیک هستند اما شمار دوستان غربی پوتین در جناح های راست و چپ بیش از این حرف هاست.



نشست خبری ویکتور اوربان و ولادیمیر پوتین در بحبوحه جنگ اوکراین

حلقه فداییان بریتانیا به افرادی مانند نایجل فراژ که زمانی پوتین را به عنوان رهبر جهانی که بیش از همه مورد تحسینش قرار می داد، یا جورج گالووی که تا این هفته در پروفایل توئیترش نه یک بلکه دو کنسرت در حمایت از پوتین پخش کرد و با رسانه های تحت کنترل پوتین را به تصویر کشید محدود نمی شود. جزئیات بیشتر در این باره در وبسایت RT، پس از اینکه توئیتر حساب گالووی را به عنوان "رسانه وابسته به دولت روسیه" شناسایی کرد، به سرعت حذف شد. بسیاری از ناظران اروپایی به علاقه حزب محافظه کار به پولهای نقد الیگارش های روس و همچنین مواجهه ضعیف اخیر اتحادیه اروپا در مقابله با پول های کثیف اشاره می کنند و گمان می کنند که به قولی؛ بازگشت سرمایه های روسی در اقتصاد انگلیس، سیاست بلند مدت بریتانیا است.



تحركات اوربان و لوپن نشان می‌دهد که پوتینیسم ریشه‌های قوی‌ای در غرب دارد، ریشه‌هایی که ممکن است از طوفان کنونی جان سالم به در برند. مارک لئونارد، مدیر شورای روابط خارجی اروپا، نگران این است که شش ماه دیگر چه اتفاقی می‌افتد، زمانی که غربی‌ها نسبت به تصاویر خشونت در اوکراین حساسیت‌زدایی می‌کنند و هزینه‌های زندگی محور مباحث افکار عمومی می‌شود. در نهایت فضای سیاسی برای کسی باز خواهد شد که بگوید این درگیری بسیار گران است - و شاید پوتین به هر حال آنقدرها هم بد نباشد!

این بدان معناست که مبارزه با پوتینیسم تنها با تحریم و اسلحه انجام نخواهد شد! شاید همه چیز تغییر کند. شاید از درون خانه غرب، متحدانی برای روسیه رهبران کشورهای غربی شوند و موازنه تغییر کند. / اپایان

درست است، بریتانیا در مسلح کردن اوکراین تردیدی نداشته است، اما برای برخی از چشمان شکاک اروپایی، این امر کمی شبیه مانورهای اوربان یا لوپن است: تلاش‌های شتابزده برای سم‌زدایی دیرهنگام! شاید همه آنها در مقایسه با قدرتمندترین دوست غربی ولادیمیر پوتین که تا به حال داشته است، کوچک باشد: «دونالد ترامپ». او دیگر در کاخ سفید نیست، اگرچه می‌تواند در سال ۲۰۲۴ بازگردد در حالی که میراث تحسین او از پوتین - که ترامپ از او به عنوان یک "تابغه" ستایش می‌کرد - در حزب او زنده است. نظرسنجی ژانویه نشان داد که جمهوری خواهان نسبت به جو بایدن یا کاملاً هریس نظر مساعدتری نسبت به پوتین داشتند.



مجری مشهور فاکس نیوز، تاکر کارلسون، در برنامه خود نکاتی را در حمایت از کرملین بیان می‌کند از جمله این ادعای نادرست مبنی بر اینکه ایالات متحده به آزمایشگاه‌های سلاح‌های بیولوژیکی در اوکراین کمک مالی می‌کند. پوتین برای گروهی از راست‌گرایان، مدت‌هاست که جایگزینی برای افول فرهنگی غرب لیبرال تجسم یافته است: آرمانی ملی‌گرا، محافظه‌کار، سفیدپوست و مسیحی‌ای که توسط فمینیسم یا همجنس‌گرایان، فاسد نشده است. این تصویر از زمان تهاجم ۲۴ فوریه کمی مختل شده است چرا که اکنون، این پوتین است که اروپاییان مسیحی سفیدپوست را سلاخی می‌کند اما با اینهمه بسیاری به آن چسبیده‌اند.



فقط افغانستان نیست. کشورهای آسیای مرکزی مانند ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و قزاقستان از ممنوعیت صادرات کود و غلات روسیه و همچنین پژمردگی اقتصاد روسیه متأثر از تحریم‌های غرب، آسیب خواهند دید.



فلاکت اقتصادی افغانستان در عصر طالبان

گرسنگان افغانستانی به‌ای جنگ اوکراین را می‌پردازند

اثرات مخرب جنگ روسیه در اوکراین، کشورهای وابسته به گندم مانند افغانستان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

سایر کشورهای آسیب‌پذیر، از جمله یمن، لبنان، اتیوپی و نیجریه، می‌توانند انتظار پیامدهای جدی را حداقل برای سال آینده و احتمالاً برای بازه زمانی طولانی‌تری داشته باشند. به گفته فریدریک گرب اقتصاددان، در سال جاری میلادی، احتمال کاهش میزان کشت غلات به نصف ظرفیت کشت وجود دارد و حتی در کشورهایی که برای افزایش تولید خود به کودهای روسی متکی هستند، انتظار می‌رود که جنگ اوکراین، علاوه بر اوکراین به برداشت و بازدهی کشت غلات در این کشورها نیز ضربه بزند. گرب می‌گوید: برنامه جهانی غذا، ماهانه ۷۱ میلیون دلار بیشتر از معمول خرید، برای خرید غلات هزینه می‌کند که ۴۴ درصد بیشتر از میانگین هزینه ماهانه در سال ۲۰۱۹ است تا نیازهای موجود را برآورده کند. با تشدید پیامدهای جنگ اوکراین، نیاز به غذا و غلات افزایش می‌یابد و برنامه جهانی غذا نه تنها باید ذخایر خود را افزایش دهد تا شکم‌های گرسنه بیشتری را تغذیه کند، بلکه گرسنگی در کشورهایی که از کمبود غذا رنج می‌برند نیز تشدید می‌شود، زیرا منابع، به اندازه کافی برای تأمین غذا وجود نخواهد داشت.

پیامدهای قانون اضطراری ممنوعیت صادرات مواد غذایی و کودهای شیمیایی روسیه که با هدف تثبیت عرضه و کنترل قیمت‌ها در داخل این کشور در بحبوحه جنگ با اوکراین ابلاغ شده است، در حیاط خلوت این کشور در حال بروز و ظهور است و در حال سوق دادن کشورهای آسیای مرکزی به وادی یک بحران اقتصادی کم سابقه است و تهدیدی ست که کشورهایی مثل افغانستان را به ورطه قحطی بکشاند.

جنگ اوکراین تلاطم‌هایی در بازارهای مختلف ایجاد کرده است و قیمت غلات، سوخت و کود را افزایش داده است. اوکراین و روسیه با هم، ۳۰ درصد از عرضه گندم کل دنیا را بر عهده دارند و روسیه بیشتر کود جهان را صادر می‌کند. هر چه جنگ اوکراین بیشتر طول بکشد، بی‌ثباتی عرضه این کالاهای استراتژیک بیشتر می‌شود و به دلیل انتظارات تورمی ناشی از جنگ و گمانه زنی‌هایی که درباره قحطی جهانی مطرح است افزایش می‌یابد.

اقتصاددانان گفته‌اند که تأثیر پیامدهای جهانی جنگ اوکراین بر کشورهای آسیب‌پذیری همانند افغانستان، که در آن میلیون‌ها نفر با کمبود غذا مواجه هستند و در آن، روزانه، نوزادان به دلیل سوء تغذیه جان خود را از دست می‌دهند، ویرانگر خواهد بود.





بوییتسکی می گوید: تجارت از طریق خطوط دریایی برای اطمینان از ثبات عرضه و ثبات قیمت این کالاها حیاتی است. همراه با ممنوعیت های صادراتی، جنگ اوکراین باعث کاهش قابل توجه عرضه می شود و بدیهی است که افزایش قیمت ها را به دنبال خواهد داشت و اغلب، این کشورهای کمتر توسعه یافته هستند که تحت تأثیر این مهم قرار خواهند گرفت.

فقط افغانستان نیست. کشورهای آسیای مرکزی مانند ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و قزاقستان از ممنوعیت صادرات کود و غلات روسیه و همچنین پژمردگی اقتصاد روسیه متأثر از تحریم های غرب، آسیب خواهند دید.

مصر، اتیوپی، لبنان، سوریه و یمن همگی به محموله های غلات بارگیری شده از بنادر دریای سیاه وابسته هستند که نمی توان این وابستگی را به راحتی جایگزین کرد زیرا تامین منابع از جاهای دیگر مانند کانادا، استرالیا یا هند بر هزینه ها و زمان حمل و نقل می افزاید.

همچنین برداشت خوب لزوماً به این معنا نیست که کشورهای تولیدکننده می توانند کمبود عرضه را جبران کنند، زیرا ظرفیت بندری شان نیز در حال حاضر محدود است.

کار خاصی نمی توان انجام داد بویژه وقتی که هزینه های حمل و نقل بسیار بالا باشد و این مهم در نهایت به معنای کمبود و قحطی است. هم اکنون نیز برنامه جهانی غذا برای تأمین غذای تقریباً ۱۴۰ میلیون تحت پوشش خود، تقریباً به ۲۰ میلیارد دلار منابع برای امسال نیاز دارد که طبعاً مبلغ هنگفتی است! /پایان

قبلاً نیز برنامه جهانی غذا مجبور شده بود جیره غذایی را به هشت میلیون نفر کاهش دهد. یکی از اندوه بارترین تراژدی ها احتمالاً در افغانستان خواهد بود که پس از بیرون آمدن از ورطه چهار دهه جنگ، که اندکی در راه یک اقتصاد پایدار گام برداشته بود، اکنون به خود می پیچد. از زمان تسلط طالبان در ماه اوت گذشته، فعالیت های اقتصادی در افغانستان عمدتاً متوقف شده است و تحریم های اقتصادی ایالات متحده نیز به این معنی است که بسیاری از مردم برای خرید از جمله خرید غذا، پول ندارند. گزارش شده است که افراد نا امید اعضای بدن و فرزندان خود را فروخته اند.

قیس محمدی، اقتصاددان افغانستانی و استادیار سابق یک دانشگاه خصوصی در کابل می گوید: وضعیت در افغانستان فقط می تواند بدتر شود. این فقط یک متغیر نیست، بلکه چندین متغیر است و جنگ اوکراین یک متغیر مهم اضافی در رأس تلاطم ارزی، سیستم بانکی ناپایدار، فضای سیاسی ناپایدار، بی ثباتی در تصمیم گیری، نداشتن قوانین و مقررات و فریز میلیاردها دلار دارایی مالی به دلیل تحریم امریکا است. برنامه جهانی غذا بارها هشدار داده است که نیمی از جمعیت افغانستان در نا امنی غذایی به سر می برند و نزدیک به ۹ میلیون نفر با شرایطی شبیه قحطی مواجه هستند.

گرب اقتصاد دان می گوید: این رقم در سراسر جهان ۴۴ میلیون نفر است. وزارت صحت عامه طالبان نیز گفته است که در سال جاری بیش از سیزده هزار نوزاد در اثر سوءتغذیه، جان خود را از دست داده اند، هرچند که تأیید مستقل این تعداد غیرممکن است. گرب می گوید افغانستان نمونه یک بحران انسانی بزرگ است. او می گوید که عملیات برنامه جهانی غذا در افغانستان، یمن و لبنان به شدت به گندم وابسته است و منابع کفاف تأمین نیاز را نمی دهد چرا که باید قیمت های بالاتری در بازارهای جهانی برای خرید گندم پرداخت شود.

در افغانستان، که نان قوت اصلی مردم آن است، واردات گندم ضروری است و اگر چه قزاقستان یک تامین کننده گندم افغانستان است اما به دلیل کاهش صادرات روسیه به همسایگان، ظرفیت زیادی برای فروش نخواهد داشت. اقتصاددانان افغانستانی پیش بینی می کنند که کشاورزان در ولایات شرقی افغانستان از فرصت عرضه با قیمت های بالاتر در پاکستان، که خود دریافت کننده کمک های برنامه جهانی غذا است استفاده کنند تا غلات خود را به جای عرضه برای داخل کشور، در بازار پاکستان به فروش برسانند.

بوییتسکی، مشاور راهبردی انجمن بازرگانی و تجارت اوکراین معتقد است که محاصره سواحل دریای سیاه توسط روسیه، اوکراین را از تجارت جهانی دریایی منع کرده است و عرضه غلات و روغن های گیاهی و همچنین غلات برای تولید خوراک دام توسط این کشور را کاهش داده است چرا که تقریباً تمام صادرات غلات اوکراین از طریق بنادر دریایی در دریای سیاه انجام می شود و از زمان تهاجم روسیه به اوکراین، هیچ محموله فله ای از این طریق به خارج صادر نشده است.



افقی: ۱ - عهدنامه ای که در پی جنگ ایران و روسیه در دوره قاجار امضاء شد - کشور حمله کننده به خاک اوکراین. ۲ - مسلسل دستی ساخت رژیم صهیونیستی - جنگی به رهبری امریکا با ائتلاف ۳۵ کشور علیه عراق - علامت و رمز برج میزان. ۳ - علاقه فراوان و اشتیاق سیری ناپذیر - افسون، تزویر، تغابن و حقه - دومین کشور جهان از نظر جمعیت - خوب و خوش. ۴ - حرف بیست و نهم الفبای فارسی - بازوی انتظامی ایران - روایتی از جنگ ایران و عراق به اهتمام اعظم حسینی - موجودی در اساطیر دینی و باورهای عامیانه. ۵ - یکی از شهرهای ایران که زادگاه رئیس جمهور اسبق ایران است - جوهر مایعی حاوی رنگدانه. ۶ - بدسرشت و فرومایه - توافق هسته ای ایران و چند قدرت جهانی - شکلی از موسیقی آوازی کهن مردم لک. ۷ - توافقنامه بین المللی مشمول حقوق بین الملل - بازار سازمان یافته کالا و اوراق - حرف عطفی برای اتباع و مزاجه. ۸ - شهری در اردبیل با آبگرم های معروف - پایگاه خبری سیاسی اجتماعی به زبان های فارسی، عربی و انگلیسی - نماد نورد و قطعات فولادی بازار دوم بورس. ۹ - مجموعه قواعد رفتاری - پافشاری کردن و اصرار کردن - حرف دو چشم. ۱۰ - ریتمدار - به یک دم - پرش و جهش. ۱۱ - نام دختر ارته باز (پادشاه ماد) - سست و بیحال - بدون توقف. ۱۲ - منطقه مسکونی در هند - پر جمعیت ترین کشور جهان - ضمیر اول شخص جمع - تراب. ۱۳ - نمایشنامه ای در سه پرده اثر فردریکو گارسیا - بازی فکری تاجران بزرگ الماس - گویش تهرانی برای ایستادن چارپایان. ۱۴ - دهی در شهرستان بهبهان - از طویل ترین و مهمترین رودهای اروپا - نام یک هنرپیشه خارجی ایتالیایی تبار. ۱۵ - خربزه نارس - دستیار و همکار پَت - داغ و گرم به انگلیسی - نرم افزار فشرده سازی - دومین نت از نت های هفتگانه موسیقی غربی

عمودی: ۱ - اعتراضات دانشجویان چینی به ناپایداری اقتصادی چین و سرکوب های حزب کمونیست که به رهبری جنبش دموکراسی چین سازمان می یافت حول این میدان، متمرکز بود - آژانس اطلاعات مرکزی این کشور، به همراه سرویس اطلاعات مخفی بریتانیا، طراحی و حمایت مالی و اجرایی کودتای ۲۸ مرداد را بر عهده داشتند. ۲ - شب نیست - والی و حاکم - قدیمی ترین روزنامه عبری زبان چاپ رژیم صهیونیستی. ۳ - کُنْجی خزیده و در خود فرو رفته - کشاورز و زارع - پهلوان مشهور ایرانی و پدر سام. ۴ - وسیله انفجاری که روی زمین و یا زیر خاک پنهان می شود - شهری در بوركینافاسوی غربی - برند آرایشی بهداشتی. ۵ - اولین حرف الفبای فارسی - دومین شهر بزرگ ایالت تورینگن آلمان - مقام قضایی تابع دادستان - پایتخت ایتالیا. ۶ - شرکت تولیدی انواع نخ در شهر صنعتی البرز - دوره پایان بخش تاریخ باستانی ژاپن. ۷ - شبکه تلویزیونی دیجیتال متعلق به گروه اسکای بریتانیا - سه گوش. ۸ - شهری در استان میه ژاپن - در حرمتش فرقی میان گرفتن و دادن نیست - لانه پرنده. ۹ - جزء درونی رخسار - بلندی هایی در اشغال اسرائیل - جفت ماده - اولین حرف الفبا. ۱۰ - پنجمین پادشاه عربستان از خاندان آل سعود - پدر - آزمایش. ۱۱ - محصول ایرانخودرو - یک ترانزیستور اثر ، میدان - یمین. ۱۲ - پر استفاده ترین نرم افزار واژه پرداز - یکی از هفت حرف آتشی - درجه ای در نیروی دریایی - نقیض خشک. ۱۳ - مایع بسیار غلیظ برای طعم دادن به غذاها - نماد بورسی مرتبط با صندوق بازنشستگی کشوری - دره ای سرسبز در کردستان. ۱۴ - حرف سی و دوم الفبای فارسی - شهر مهم ساحلی در کانادا - زنگ آهن. ۱۵ - توانایی ذهنی دربردارنده قابلیت استدلال - ریزه آهن - چون گل

	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۱																
۲																
۳																
۴																
۵																
۶																
۷																
۸																
۹																
۱۰																
۱۱																
۱۲																
۱۳																
۱۴																
۱۵																

حرف مفت نزن

در زمان ناصرالدین شاه اولین تلگراف‌خانه تأسیس شد اما مردم استقبالی نکردند و کسی باور نداشت پیامش با سیم به شهر دیگری برود.

به ناصرالدین شاه گفتند تلگراف‌خانه بی‌مشتري مانده و کارمندان آنجا بیکار نشسته اند. ناصرالدین شاه دستور داد به مدت یک ماه مردم بیایند مجاني هر چه می‌خواهند تلگراف بزنند و چون مفت شد همه هجوم آوردند و بعد از مدتی دیدند پیام‌هایشان به مقصد می‌رسد و به همین خاطر هجوم مردم روز به روز زیادتر شد در حدی که دیگر کارمندان قادر به پاسخگویی نبودند!

سرانجام ناصرالدین شاه که مطمئن شده بود مردم ارزش تلگراف را فهمیده‌اند، دستور داد سر در تلگراف‌خانه تابلویی بزنند بدین مضمون: «بفرموده شاه از امروز حرف مفت زدن ممنوع!» و اصطلاح حرف مفت زدن از آن زمان به یادگار ماند.

گنجشک و آتش

شاید نتوانم آتش را خاموش کنم اما آن هنگام که خداوند می‌پرسد زمانی که دوستت در آتش می‌سوخت تو چه کردی؟

پاسخ میدهم: هر آنچه از من بر می‌آمد!

گنجشکی با عجله و تمام توان به آتش نزدیک می‌شد و برمی‌گشت!

پرسیدند: «چه می‌کنی؟»

پاسخ داد: «در این نزدیکی چشمه آبی هست و من مرتب نوک خود را پر از آب می‌کنم و آن را روی آتش می‌ریزم.»

گفتند: «حجم آتش در مقایسه با آبی که تو می‌آوری بسیار زیاد است و این آب فایده‌ای ندارد.»

گفت: «شاید نتوانم آتش را خاموش کنم، اما آن هنگام که خداوند می‌پرسد زمانی که دوستت در آتش می‌سوخت تو چه کردی؟ پاسخ میدهم: هر آنچه از من بر می‌آمد!»



داستان



حرف اول؛ معرفی خودم

دروود به روحتان

اینجانب مش مراد پشت کوهی فرزند کالجواد پشت کوهی، دانش آموخته همه علوم، دارای چندین و چند مدرک سیکل از دانشگاه نهضت مجازی و ابوالمشاغل در همه شغل ها هستم و تا کنون دعوت نامه های بسیاری از نقاط مختلف پیشرفته جهان دریافت کرده ام اما ولی چون که زیرا با این همه تخصص و مشاغلی که دارم، هیچ جایی را مثل همین وطنم برای پول به جیب زدن مناسب نیافتم، تصمیم گرفتم برای خدمت خالصانه و بی مزد و منت به کشورم، در همین جا بمانم و در همینجا خدمت کنم.



از شما چه پنهان، در همین جا هم دعوت نامه های همکاری بسیاری زیر بالشت تلنبار کرده ام تا اینکه چند روز پیش، یک دعوت نامه متفاوت دریافت کردم. پیشنهاد دعوت به یک کار جدید بود در ماهنامه ای به نام «نهضت».

من هم که دیدم خود فارغ التحصیل همه علوم از دانشگاه مجازی نهضت در مقاطع مختلف تحصیلات تکمیلی سیکل هستم و از آن جایی که آب نطلبیده هم مراد است، قرارداد همکاری با این نشریه را امضاء کردم.

از آنجایی که اصلا هم اهل چانه زدن درباره دستمزد نیستم مقرر شد حقوقم هرچه بیشتر بهتر باشد و حق اولاد و حق مسکن و حق فرزندآوری و حق باج سبیل و حق پرهیز از اختلاس و حق کلیه حقوق هم در کنار حقوق به حسابم واریز شود و اینگونه اکنون شاغل در ماهنامه نهضت نیز هستم و قرار است آراء و نظرات اندیشمندان و حکیمان خود را در حوزه های گوناگون مختلف، با شما در میان بگذارم.

امیدوارم بتوانم در این برهه حساس کنونی، مشکل گشا و راهگشای امورتان باشم و تمام تلاش خود را برای آسیب شناسی در همه امور به کار گیرم.

از شما نیز می خواهم به دقت و با گوش جان به رهنمودهای فیلسوفانه ام گوش فرا دهید که آب نطلبیده مراد است و مشکل گشای مشکلات تان.

امید که با تدابیر مش مراد، گشایش هایی نیز در عمق مسائل و مشکلات، پیش آید.

خاک پای تان

امضاء: مش مراد، فرزند کالجواد



سرمایه گذاری های بین المللی چین در زمان شی جین پینگ

پیامدهای بلند مدت طرح کمربند و جاده و طرح بانک سرمایه گذاری زیر ساخت آسیایی



چکیده: این مطالعه میزان تغییرات استراتژیک انجام شده توسط شی جین پینگ در الگوی سرمایه گذاری خارجی چین را بررسی می کند و اینکه چگونه ممکن است اهرم سیاسی و مزایای نظامی قابل توجهی برای چین در منطقه اقیانوس هند ایجاد کند.

به منظور شناخت هدف پشت پرده چین از سرمایه گذاری های خارجی اش، این مطالعه به بررسی سرمایه گذاری های خارجی متعددی که توسط کسب و کارهای چینی و شرکت های دولتی، به ویژه در بخش زیرساخت ها و انرژی انجام شده است، می پردازد و تغییرات استراتژیکی که شی جین پینگ برای دستیابی به اهداف داخلی خود در این الگوهای سرمایه گذاری ایجاد کرده است را نشان می دهد.

به طور کلی، می توان این تغییرات را از طریق دو ابتکار امضا شده توسط شی جین پینگ مشاهده کرد: ابتکار کمربند و جاده، و بانک سرمایه گذاری زیرساخت آسیا که قصد دارد ۸ تریلیون دلار در حداقل ۶۸ کشور سرمایه گذاری کند.

این مطالعه نشان می دهد که این ابتکارات ممکن است در نهایت کشورها را با مشکل بدهی مواجه کند که ناپایدار خواهد بود و سطح نامطلوبی از وابستگی به چین به عنوان یک طلبکار ایجاد می کند که نشانه های آن قبلاً در جیبوتی و پاکستان دیده شده است.

در نهایت، این مطالعه با تلاش های جامعه بین المللی برای مقابله با اهرم سیاسی و نظامی رو به رشد چین که از طریق صادرات کالاهای چینی کارسازی می شود، به پایان می رسد.

مقدمه: از سال ۱۹۷۸، چین دستخوش اصلاحات سیاسی و اقتصادی متعددی شده است که مسیر توسعه چین را تغییر داده و این امکان را به آن کشور داده است تا به عنوان یک ابرقدرت اقتصادی مطرح شود.

اصلاحات اقتصادی سال ۱۹۷۸ با افزایش نقش نیروهای بازار و کاهش برنامه ریزی و کنترل مستقیم دولت، آغاز پایان نسخه مائوئیستی یک اقتصاد تحت کنترل مرکزی را نشان داد.

چین با ذهنیت خوداتکایی دوران مائو خداحافظی کرد، جایی که منابع به واحدهای اداری سطوح پایین تر مانند استان ها، بخش ها، شهرستان ها، استان ها، و گروه های روستایی تخصیص یافت و آنها را تشویق کرد تا اقتصاد خود را بهبود بخشند. این تغییر به منظور رفع ناامنی منابع و استفاده از بازار پررونق جهانی انجام شد.

اکنون، تحت رهبری شی جین پینگ، این استراتژی تکامل یافته است تا هدف داخلی خود را برای "پویایی بزرگ ملت چین" با ایجاد یک حوزه نفوذ گسترده در جامعه بین الملل ضمن حفظ حقوق و منافع خود، تکرار کند. ظرف یک سال پس از به قدرت رسیدن، شی جین پینگ، وی، دو ابتکار مهم سیاست خارجی خود را آغاز کرد: ابتکار اول؛ کمربند و جاده (که قبلاً به عنوان یک کمربند یک جاده شناخته می شد)، با هدف ایجاد تجارت، زیرساخت ها، سرمایه گذاری و ارتباطات انسانی در سراسر اوراسیا و آفریقا، و ابتکار دوم؛ بانک سرمایه گذاری زیرساخت آسیایی (یک بانک چندجانبه که قصد دارد بر وابستگی به موسسات برتون وودز مانند صندوق بین المللی پول و بانک جهانی غلبه کند).

این ابتکارات چین را قادر ساخت تا همگام با سرمایه گذاری و امضای موافقت نامه های تجاری، به اقتصاد جهانی نفوذ کند و در نتیجه ردپای اقتصادی چین در جهان را افزایش دهد. علاوه بر این، بخش مهمی از این سرمایه گذاری ها با هدف توسعه زیرساخت ها، به ویژه بنادر در سراسر آسیا و آفریقا، همچنین تقویت حضور نظامی چین انجام می شود. در حالی که چین قصد دارد طی یک دهه ۸ تریلیون دلار در حداقل ۶۸ کشور سرمایه گذاری کند، این برنامه ها ممکن است در نهایت کشورها را با مشکل بدهی مواجه کند که ناپایدار خواهد بود و سطح نامطلوبی از وابستگی به چین را به عنوان طلبکار ایجاد می کند. چرخه مستمر بدهی ایجاد شده توسط چین، بدون توجه به نارضایتی یک دولت از بدهی به دلیل وابستگی به چین، نفوذ منطقه ای و جهانی آن را افزایش می دهد.

از سوی دیگر، در حالی که این برنامه اقدام ممکن است به اندازه کافی قانع کننده به نظر برسد که بتوان از آن پیروی کرد، در واقعیت، مشارکتی که پایه و اساس آن بر مبنای اجبار اقتصادی گذاشته شده است، احتمالاً از نظر سیاسی و استراتژیک ناپایدار خواهد بود. یکی از نمونه های آن سریلانکا است، جایی که سرمایه گذاری تجاری توسط شرکت های دولتی چین و بازدید متناوب کشتی های نیروی دریایی ارتش آزادی بخش خلق که پیشتر تجربه شده است از نظر سیاسی مضر بوده است. شرایط ایجاد شده توسط این سرمایه گذاری ها، زمینه را برای استفاده از زیرساخت های تجاری آن برای جمع آوری اطلاعات و جعل قراردادهای به اشتراک گذاری اطلاعات نظارتی قوی با کشورهای منطقه اقیانوس هند فراهم می کند. فعالیت های تجاری رو به رشد و نفوذ اقتصادی چین بر سایر دولت ها در قضیه واردات به عنوان هشدار درباره توانایی و جاه طلبی چین برای انجام مأموریت های نظامی پیشرفته عمل می کند.

سرمایه گذاری های بین المللی چین در زمان شی جین پینگ

پیامدهای بلندمدت طرح کمربند و جاده و طرح بانک سرمایه گذاری زیرساخت آسیایی



نشانه‌های نارضایتی از زیاد شدن بدهی های ناشی از عملیاتی شدن پروژه‌ها در جیبوتی و پاکستان ظاهر شده است، زیرا در نهایت ممکن است آنها مجبور به انجام معامله مبادله بدهی در برابر سهام شوند، همانطور که در سریلانکا یا تاجیکستان در مورد لغو بدهی در ازای قلمرو اقدام شد. چین می‌تواند از سرمایه‌گذاری‌های پولی خود در کریدور اقتصادی چین-پاکستان استفاده کند تا مسیر دسترسی نظامی به بندر گوادر را هموار کند. این مطالعه به بررسی میزان تغییرات استراتژیک انجام شده توسط شی جین پینگ در الگوی سرمایه‌گذاری خارجی چین و چگونگی ایجاد اهرم سیاسی و مزایای نظامی قابل توجه برای چین می‌پردازد. به منظور انجام این کار، این مطالعه، سرمایه‌گذاری‌های خارجی متعددی را که توسط کسب‌وکارهای چینی و شرکت‌های دولتی از سال ۲۰۰۵ انجام شده، به‌ویژه در بخش زیرساخت‌ها و انرژی بررسی می‌کند. این شامل ایجاد چارچوبی برای تمایز روندهای سرمایه‌گذاری قبل و بعد از روی کار آمدن شی جین پینگ به عنوان رئیس جمهور جمهوری خلق چین در سال ۲۰۱۳ است. این مطالعه، تغییرات استراتژیک ایجاد شده توسط شی جین پینگ برای دستیابی به اهداف داخلی خود را اثبات می‌کند.

علاوه بر این، این مطالعه به موافقت نامه‌های امضا شده توسط دولت‌ها در طرح‌هایی چون بانک سرمایه‌گذاری زیربنایی آسیا، اتحادیه همکاری‌های منطقه‌ای حاشیه اقیانوس هند و ابتکار چینی (یک پهنه؛ یک راه) می‌پردازد تا شرایط و ضوابط سرمایه‌گذاری چین در این کشورها را بررسی کند. این اطلاعات، گستره و قدرت چین را در مواقعی که دولت‌ها در بازپرداخت بدهی‌هایشان ناکام می‌مانند و در مارپیچ بدهی قرار می‌گیرند، ارائه می‌دهد. اشراف به این اطلاعات برای درک احتمال گرفتار شدن یک دولت در تله بدهی و تسلیم شدن در برابر خواسته‌های چین ضروری است چرا که به چین اجازه می‌دهد تا اهرم و نفوذی را بر ایالت‌ها در اتحادیه همکاری‌های منطقه‌ای حاشیه اقیانوس هند به دست آورد.

چین چگونه کشورهای ضعیف را بدهکار خود میکند



نویسنده: راکشت سینگهال
*کارشناس علوم سیاسی و اقتصاد



برگردان فارسی: مصطفی امینی

این مطالعه بر تلاش چین برای به دست آوردن اهرم سیاسی و مزیت نظامی از طریق استفاده دوگانه از سرمایه‌گذاری‌ها و کشاندن دولت‌ها به وضعیتی که با مشکل بدهی مواجه می‌شوند و آنها را در برابر نفوذ چین آسیب‌پذیر می‌کند، متمرکز است. با این حال، در حالی که استفاده از تله بدهی و سرمایه‌گذاری با استفاده دوگانه ممکن است قانع‌کننده به نظر برسد، توافقات مبتنی بر ارباب مالی ممکن است بی‌ثباتی سیاسی و استراتژیک ایجاد کند. این مطالعه در نهایت به بررسی پیامدهای استراتژیک این سرمایه‌گذاری‌ها و پیامدهای آن برای سایر کشورها می‌پردازد.



پیشینه اقتصاد چین: از زمان تأسیس جمهوری خلق چین در سال ۱۹۴۹، رشد اقتصادی چین پرتلاطم و متناقض بوده است. تحت رهبری مائو تسه تونگ (۱۹۴۹-۱۹۷۷)، هدف چین کاهش نابرابری اجتماعی، اصلاح مالکیت زمین و احیای اقتصادی بود که از طریق یک اقتصاد برنامه‌ریزی متمرکز در کشاکش جنگ ویران شده است.

در این اقتصاد، تولید اقتصادی و تخصیص منابع توسط دولت کنترل و هدایت می‌شد. هدف مائو این بود که چین را متکی به خود و خودکفا کند. بنابراین، تجارت خارجی به کالاهایی محدود می‌شد که نمی‌توانستند در چین تولید یا تهیه شوند. مائو یک سیستم کشاورزی جمعی را برای متعادل کردن رشد صنعتی و تولید کشاورزی معرفی کرد. در نتیجه چنین سیاست‌هایی اقتصاد دچار انحراف از مسیر رشد و توسعه خود شد. انگیزه‌های کمی برای شرکت‌ها، کارمندان و کشاورزان وجود داشت که سودآورتر شوند یا نگران کیفیت محصولی باشند که تولید می‌کنند، زیرا بیشتر بخش‌های اقتصاد توسط دولت مرکزی تنظیم و اداره می‌شد. در نتیجه، هیچ ساختار رقابتی وجود نداشت تا سرمایه را به طور موثر توزیع کند، و از این رو انگیزه‌های کمی برای شرکت‌ها، کارکنان و کشاورزان وجود داشت تا بهره‌وری بیشتری داشته باشند یا نگران کیفیت آنچه تولید می‌کنند باشند.

این اصلاحات پس از شکست ده ساله انقلاب فرهنگی در سال ۱۹۶۶ انجام شد، جایی که هر چیزی که مربوط به سرمایه‌داری یا آرمان‌های "بورژوازی" بود حذف شد و کشور را از نظر سیاسی و اقتصادی فلج کرد.

دنگ شیائو پینگ این اصلاحات را اینگونه بیان کرد: "گره سیاه، گره سفید، چه اهمیتی دارد که گره چه رنگی باشد تا زمانی که موش را بگیرد؟" به عنوان وسیله‌ای برای اطمینان دادن به کشور که مهم نیست چین چه نوع سیاست‌های اقتصادی را دنبال می‌کند، تنها چیزی که مهم است رشد اقتصادی است.

دولت مرکزی به کشاورزان یارانه‌های قیمتی و مشوق‌های مالکیت ارائه می‌کرد و آنها را قادر می‌ساخت که بخشی از محصولات خود را در بازار آزاد بفروشند. علاوه بر این، آنها مناطق ویژه اقتصادی را برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی، تقویت صادرات و واردات فناوری جدید به کشور ایجاد کردند.

به تدریج، کنترل اقتصادی به دولت‌های محلی و استانی واگذار شد و به آنها اجازه داده شد تا در بازار آزاد به جای اینکه تحت نظارت دولت و کنترل قیمت‌های دولتی که بر طیف وسیعی از کالاها و خدمات اعمال شده بود باشند، فعالیت و رقابت کنند.

علاوه بر این، شهروندان با ارائه مشوق‌های مالیاتی و تجاری این قدرت را پیدا کردند تا کسب‌وکار خود را راه‌اندازی کنند.

اندکی پس از مرگ مائو در سال ۱۹۷۸، دولت چین به رهبری دنگ شیائو پینگ برخی اصول سیاست اقتصادی دوران مائو را نادیده گرفت و آنها را بر اساس اصول بازار آزاد و گشایش اقتصادی با هدف تجارت و سرمایه‌گذاری اصلاح کرد.



علاوه بر این، شرکت‌های محلی چینی بدون هیچ حمایت خارجی از سوی دولت، در نبردی سخت با همکاری‌های چند ملیتی خارجی در چین رقابت می‌کردند.

بنابراین، در سال ۲۰۰۰، «سیاست خروج» یا «استراتژی جهانی شدن» معرفی شد تا چین به این طریق، شرکت‌های چینی خود را برای سرمایه‌گذاری در خارج از کشور تشویق کند و به همچنین به این کشور اجازه دهد تا از سرمایه‌های کشورهای خارجی استفاده کند.

ذخایر با به دست آوردن دارایی در خارج از کشور و تجهیز شرکت‌های داخلی به تجربه بین‌المللی، برای ایجاد تعادل رقابتی در بازار جهانی افزایش یافت.

جدای از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در خارج از چین، استراتژی خروج، شرکت‌های محلی را بر آن داشت تا فعالیت‌های خود را با ایجاد زنجیره‌های تامین چند ملیتی گسترش دهند. و در این چارچوب، شرکت‌های دولتی نقش مهمی در جلب حمایت از این طرح ایفا کردند. با این حال، ابتکاراتی هم وضع شد تا جذب سرمایه خارجی را تسهیل کند از جمله اینکه در صورت بهره‌برداری از شرکت‌های محلی، تخفیف‌های مالیاتی صادراتی، کمک‌های مالی و کمک‌های ارزی و سایر مشوق‌ها به شرکت‌های خارجی اعطا می‌شد.

کمیسرین توسعه و اصلاحات ملی و بانک صادرات و واردات چین به طور مشترک بخشنامه‌ای را در اکتبر ۲۰۰۴ برای تحریک سرمایه‌گذاری خارجی در مناطق خاص منتشر کردند:

- (۱) پروژه‌های اکتشاف منابع برای کاهش کمبود داخلی منابع طبیعی
- (۲) پروژه‌هایی که صادرات فن‌آوری‌های داخلی، محصولات، تجهیزات و نیروی کار را ترویج می‌کنند
- (۳) مراکز تحقیق و توسعه (تحقیق و توسعه) خارج از کشور برای استفاده از فن‌آوری‌های پیشرفته بین‌المللی، مهارت‌های مدیریتی و متخصصان بین‌المللی
- (۴) [ادغام و تملک] که می‌تواند رقابت بین‌المللی شرکت‌های چینی را افزایش دهد و ورود آنها به بازارهای خارجی را تسریع کند.

طبق آمار رسمی دولت چین، قبل از سال ۱۹۷۸، اقتصاد به طور متوسط سالانه ۶٫۷٪ رشد می‌کرد (منتقدان استدلال کرده‌اند که دولت به دلایل سیاسی در ارقام اغراق کرده است و میانگین نرخ رشد سالانه حدوداً ۴٫۴٪ است). پس از اجرای اصلاحات ساختاری، اقتصاد چین بسیار سریعتر از قبل از اصلاحات، گسترش یافته است و در بیشتر موارد از شوک‌های اقتصادی بزرگ جلوگیری کرد.

از سال ۱۹۷۹، اقتصاد چین به طور متوسط سالانه ۹٫۵ درصد رشد کرده است. به عبارت دیگر، چین توانسته است اقتصاد خود را به صورت واقعی هر هشت سال دو برابر کند. مخارج زیرساختی در مقیاس بزرگ (که توسط پس‌اندازهای داخلی قابل توجهه و سرمایه‌گذاری خارجی تامین می‌شود) و رشد بهره‌وری قوی دو عامل اصلی رشد سریع هستند.

علیرغم رشد اقتصادی قابل توجه چین در دو دهه آینده، بازسازی بخش دولتی و نوسازی سیستم بانکی چالش‌های مهمی ست که باقی مانده است و سایه اش بر سر اقتصاد چین سنگینی می‌کند.

بیش از نیمی از شرکت‌های دولتی چین ناکارآمد بودند و ضرر می‌کردند. رئیس‌جمهور جیانگ تصمیم گرفت زبان انباشته ایجاد شده توسط شرکت‌های دولتی را با فروش دارایی‌های مازاد آنها، ادغام شان در یکدیگر یا انحلالشان کاهش دهد. در عرض سه سال، اکثریت شرکت‌های دولتی سابقاً زیان ده، سودآور شدند. پس از تقریباً دو دهه تمرکززدایی و اجازه به شرکت‌های خارجی برای سرمایه‌گذاری و تجارت در چین، این کشور ذخایر خارجی گسترده‌ای را انباشته کرد که بر واحد پول رسمی چین فشار صعودی وارد کرد.



بر اساس این سیاست، شرکت های محلی تشویق می شوند تا سرمایه گذاری های مشترک ایجاد کنند یا شرکت های بین المللی بخرند تا به فناوری پیشرفته دست یابند و در نتیجه بسیاری از مراحل رشد و ارتقاء را جهش دهند. یک نمونه بارز، خرید لنوو از بخش کامپیوترهای شخصی آی بی ام در سال ۲۰۰۵ است. کسب و کارهای چینی اغلب در بازارهای آمریکا یا اروپا، شرکت هایی با برند مطرح اما وضعیت مالی ضعیف را خریداری می کنند و آنها را به عنوان وسیله ای برای تثبیت جایگاه خود لحاظ می کنند. مانند اصلاحات اقتصادی ۱۹۷۸ که در اواخر دهه ۱۹۹۰ به اوج خود رسید، سیاست خروج در اوایل دهه ۲۰۱۰ به اوج خود رسید. پروژه ها با چالش های اقتصادی و حاکمیتی عدیده ای مواجه شدند و به ندرت به نتیجه رسیدند. بیشتر شرکت های دولتی مملو از فساد و فرهنگ ریشه دار رانت خواری شدند.

عدم رعایت هنجارها و رویه های محلی رواج یافت، مثال آن، گروه مهندسی خارجی چین، زمانی که لهستان آنها را برای ساخت یک بزرگراه به مبلغ تقریباً نیم میلیارد دلار استخدام کرد؛ آنها نتوانستند پلکان هایی را که قادر باشد تسهیل گر تردد حیوانات کوچک در زیر زمین شود بسازند. شکست ساخت جاده ای که در نهایت منجر به لغو پروژه شد.

نوسانات تقاضای جهانی، به ویژه در کشورهای غربی پس از بحران مالی ۲۰۰۸، مسائل کلان اقتصادی چین را تشدید کرد.

با درک چنین مسائل استراتژیکی، چین تحت رهبری شی جین پینگ، رویکرد متفاوتی در پیش گرفت و ابتکار کمربند و جاده و بانک سرمایه گذاری آسیایی را راه اندازی کرد.

علاقه به سرمایه گذاری در خارج از کشور توسط شرکت های چینی از زمان شروع سیاست خروج از کشور، به ویژه در بین شرکت های دولتی به طور قابل توجهی افزایش یافت. سرمایه گذاری مستقیم خارجی چین از ۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۱ به ۳۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۳ رسید و تا سال ۲۰۰۷ به ۹۲ میلیارد دلار رسید. ۱۴ شرکت های دولتی همچنان بیشترین سرمایه گذاری مستقیم خارجی چین را تشکیل می دهند.

شرکت های دولتی تحت نظارت دولت مرکزی حدود ۳۸،۲ میلیارد دلار (۶۷،۶ درصد) از کل سرمایه گذاری مستقیم خارجی چین در سال ۲۰۰۹ را در اختیار دارند، در حالی که جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی ناخالص خارجی ۳۴۵ میلیون دلار (یا ۰،۶ درصد) توسط ۳۳ شرکت خصوصی بود و در حالی که بقیه از سرمایه گذاری مشترک و مشارکت بین شرکت های دولتی و خصوصی که حدود (۱۷/۹۵ میلیارد دلار) برآورد می شود حاصل شد. این گسترش سرمایه گذاری در خارج از کشور به چین اجازه دسترسی به مواد خام خارجی و فناوری های پیشرفته، افزایش درآمدهای ارزی و ارتقای صادرات چین را داد. برای حفظ نرخ رشد اقتصادی قوی چین، دستیابی به منابع انرژی و مواد خام در خارج از کشور همچنان بهره مندی از یک نیروی محرک استراتژیک نیز حیاتی است. در مورد آلومینیوم، مس، نیکل، سنگ آهن و سایر کالاهای اولیه، تصویر مشابهی از افزایش تصاعدی تقاضا از چین در حال رشد است. این را می توان از طریق تعیین سیاست های تأثیرگذار کمیسیون توسعه و اصلاحات ملی مشاهده کرد که شرکت های انرژی چین را ملزم به خرید سهام تامین کنندگان انرژی بالادستی می کند. در درجه اول از طریق خریدهای خارجی مانند خرید سهام معادن ذغال سنگ در جهان!

چین تحت رهبری شی جین پینگ

با توجه به اینکه توسعه جهان پس از بحران اقتصادی سال ۲۰۰۹ با نرخ بی‌سابقه ۴,۳ درصدی ادامه یافت، نیاز فزاینده‌ای هم در داخل و هم در خارج از این کشور وجود داشت که چین ساختار دیپلماتیک خود را تغییر دهد و از انتقال تاریخی روابط خود با سایر کشورها استقبال کند.

جرقه‌های این تغییر در هجدهمین کنگره ملی حزب کمونیست چین در سال ۲۰۱۲ آغاز شد، زمانی که شی جین پینگ جانشین هو جین تائو به عنوان دبیر کل حزب کمونیست چین شد.

در دوران شی جین پینگ، دیپلماسی چین با درک این موضوع که چین باید همراستا با جهان تغییر کند، دستخوش گذار قابل توجهی شد و استراتژی «تائو گوانگ یانگ هوی» خود را با استراتژی «فن فای یو وی» تلاش برای دستاورد [جایگزین کرد].

پس از مرحله اول «دیپلماسی انقلاب» تحت رهبری مائو و مرحله دوم «دیپلماسی توسعه» تحت رهبری دنگ شیائو پینگ، اکنون، چین به مرحله سوم «دیپلماسی خروج» تحت رهبری شی جین پینگ رسیده است. مکانیسم مفهومی برای ساختن «کمر بند اقتصادی جاده ابریشم» و همراه با «جاده ابریشم دریایی قرن بیست و یکم» که مجموعاً در زبان چینی به عنوان «یک کمر بند، یک جاده» شناخته می‌شود.

در بیانیه‌های رسمی چین، ابتکار کمر بند و جاده، یک مفهوم استراتژیک مهم پیشنهاد شده توسط چین برای همکاری با آرزوهای مشترک همه کشورهای منطقه و ارتقای همکاری‌های منطقه‌ای معرفی شده است که پتانسیل توسعه ای عظیمی را آزاد می‌کند، کشورهای منطقه را به هم نزدیکتر می‌کند، همکاری‌ها را عمیق تر می‌کند و فضای توسعه را گسترش می‌دهد و برای نزدیک به سه میلیارد نفر منفعت به همراه خواهد داشت.

این تمهیدی ست که چین قصد دارد با آن ارتباط خود را با بیش از ۶۵ کشور و بیش از ۳۰ سازمان بین المللی گسترش دهد که تا حدی بر مسیرهای زمینی و دریایی جاده ابریشم باستانی متمرکز است.

مجموع اقتصادی اقتصادهای طرح کمر بند-جاده، تقریباً ۲۱ تریلیون دلار است که نشان دهنده ۶۵ درصد درآمد تولید جهانی و ۳۰ درصد تجارت دریایی جهانی است. این ابتکار به دنبال تقویت این پیوندها از طریق سرمایه گذاری در زیرساخت‌ها، ایجاد کریدورهای حمل و نقل اقتصادی و پیوند چین با سایر کشورها «از لحاظ فیزیکی، مالی، دیجیتالی و اجتماعی» است.

معرفی طرح کمر بند - جاده، بر دو ملاحظه استوار است؛ اول اینکه توسعه اقتصادی قوی چین در دو دهه گذشته در حال کاهش است. به دلیل پیری روزافزون جمعیت، کاهش نرخ زاد و ولد، فدرال رزرو تنگ‌تر و تضعیف اقتصاد جهانی، نرخ رشد چین تقریباً به نصف کاهش یافته است و از ۱۴,۲۳ درصد در سال ۲۰۰۷ به ۷,۸۶ درصد در سال ۲۰۱۲ رسید. طرح کمر بند-جاده، نشان‌دهنده فرصتی برای تجدید انرژی، کاهش نا امنی انرژی، و تقویت ردپا و شهرت جهانی چین در حالی که اطمینان حاصل شود که چین پتانسیل سرمایه گذاری خود برای بسیاری از سرمایه گذاری‌های اولیه را حفظ می‌کند، است.

علاوه بر این، طرح کمر بند-جاده، راه نجاتی برای شرکت‌های دولتی ناکارآمد فراهم می‌کند. از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۶، سهم وام‌های تأمین شده توسط شرکت‌های دولتی از بانک‌های دولتی به منظور تأمین مالی پروژه‌های طرح کمر بند-جاده، ۴۵,۶ درصد افزایش یافته است.

تقویت نظامی چین، انباشت قدرت مداخله گر در تصمیمات سیاسی و اقتصادی، و اقدامات علیه موسسات مالی بین المللی مانند بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، همگی نشان از نارضایتی از وضعیت موجود دارند.

کشورهای در حال توسعه محور نارضایتی از روابط تجاری با اقتصادها و سازمان‌های پیشرفته هستند. منبع دیگر، تنش با صندوق بین المللی پول و بانک جهانی ناشی از عدم رعایت استانداردها و هنجارهای جهانی در روابط تجاری دوجانبه چین با سایر کشورهای توسعه یافته است.

طرح کمربند-جاده نشان دهنده گذار در سیاست خروج چین به عنوان بخشی از تلاش این کشور برای تغییر پارادایم رشد اقتصادی خود است. اگر چه در سال‌های اولیه راهبرد «خروج» بر تهیه مولفه‌های لازم برای تقویت صنعت سنگین چین، اقتصاد مبتنی بر سرمایه‌گذاری و صادرات تأکید می‌کرد، به نظر می‌رسد که این امر، کشورهای هدف را به کشورهای غنی از منابع عمدتاً در آمریکای لاتین و آفریقا محدود می‌کرد. استراتژی بازطراحی شده «خروج» ابتکاراتی را در اولویت قرار می‌دهد تا به اقتصاد چین کمک کند تا از زنجیره ارزش افزوده در هر بخش اقتصادی ممکن بهره‌برداری و دامنه تلاش و جاه طلبی اش را گسترش دهد. طرح کمربند-جاده نه تنها به چین اجازه می‌دهد تا دامنه فعالیت خود را در خارج از کشور گسترش دهد، بلکه با تمایل به سرمایه‌گذاری داخلی نیز همراه است که تقریباً هر استان چین به آن علاقه مند است. پس از یک سال، در نشست همکاری اقتصادی آسیا و اقیانوسیه در پکن، شی جین پینگ اعلام کرد که چین یک صندوق ۴۰ میلیارد دلاری برای کمک به تأمین مالی توسعه طرح کمربند جاده ایجاد خواهد کرد و در نظر دارد تا اعتبار پروژه‌های مرتبط با این طرح را از ارزش کمتر از ۲۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۵ به ۱۰۰ میلیارد دلار بین سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۸ گسترش دهد. این مؤسسه در ۲۴ کشور و منطقه وابسته به ابتکار عمل کرده است. چین با تأسیس بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا و صندوق جاده ابریشم در میان دیگر طرح‌های تحت رهبری دولت‌ش، با هدف تبدیل شدن به یک اقتصاد جهانی بازتر، کمک متقاعدکننده‌ای به ابتکار طرح کمربند-جاده برای اقتصاد جهانی بازتر کرده است اگر نگوئیم بخشی کلیدی از جهانی شدن در قرن جدید به وسیله چین رقم خورده است.

علاوه بر این، چین، موسسات چینی چندجانبه و داخلی جدیدی را برای تأمین مالی طرح کمربند-جاده، به ویژه بانک توسعه چین و بانک صادرات و واردات چین ایجاد کرده است. بر اساس طرح کمربند-جاده، برآورد سرمایه‌گذاری چین از یک تریلیون دلار تا ۸ تریلیون دلار متغیر است که ۱ تریلیون دلار رایج‌ترین رقم است. محرک و مشوق ایجاد بانک سرمایه‌گذاری زیربنایی آسیا توسط چین، ناامیدی از مکانیسم اداره موسسات مالی بین‌المللی و عمدتاً تمرکز ناکافی بر زیرساخت‌ها و رشد بود. هدف این بانک، همانطور که از نامش پیداست، تأمین بودجه برای نیازهای زیرساختی در آسیا و مناطق همسایه است. این بانک در سال ۲۰۱۳ تأسیس شد و در اواسط سال ۲۰۱۶ فعالیت خود را آغاز کرد، دارای ۵۷ عضو مؤسس، از جمله چهار اقتصاد گروه هفت چون فرانسه، آلمان، ایتالیا، و بریتانیا است.

بر اساس اساسنامه این بانک، هدف بانک باید موارد زیر باشد: (۱) تقویت توسعه اقتصادی پایدار، ایجاد ثروت و بهبود ارتباطات زیرساختی در آسیا از طریق سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و سایر بخش‌های تولیدی. (۲) ترویج همکاری و مشارکت منطقه‌ای برای غلبه بر چالش‌های توسعه از طریق همکاری نزدیک با سایر نهادهای توسعه چندجانبه و دوجانبه.

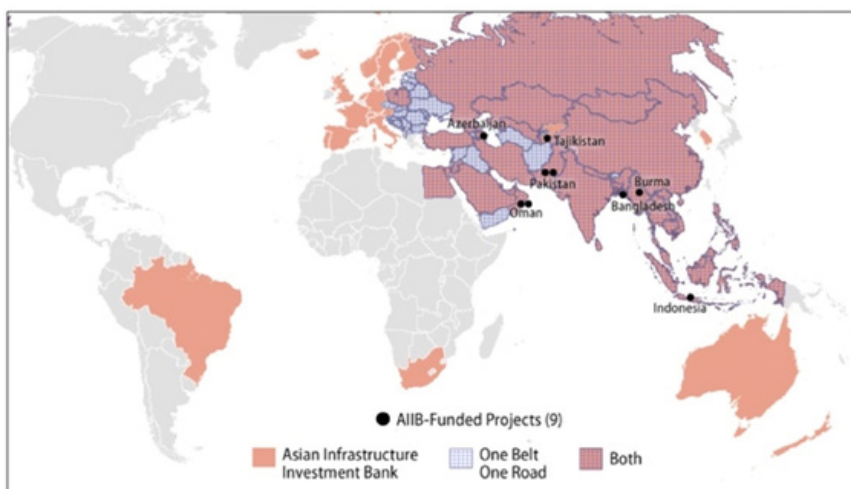
بودجه ناخالص اولیه بانک سرمایه‌گذاری زیربنایی آسیا، ۱۰۰ میلیارد دلار است، سهام این بانک با استفاده از تولید ناخالص داخلی اسمی ۶۰ درصد و برابری قدرت خرید تولید ناخالص داخلی ۴۰ درصد بسته به اندازه هر کشور عضو توزیع می‌شود. کسر سرمایه مصوب در بانک نیز بر اساس میزان سهام تعیین می‌شود. چین ۵۰ میلیارد دلار یا نیمی از سرمایه اولیه پذیرفته شده را سرمایه‌گذاری می‌کند. هند با سرمایه‌گذاری ۸٫۴ میلیارد دلاری دومین سهامدار بزرگ این بانک است. دفتر مرکزی این بانک در پکن چین است و توسط جین لیگون، معاون سابق وزیر دارایی چین، رئیس یک صندوق سرمایه‌گذاری مستقل چین و معاون رئیس بانک توسعه آسیایی هدایت می‌شود. با افزایش تقاضا برای عضویت در بانک سرمایه‌گذاری زیربنایی آسیا، مقامات چینی آن را از استراتژی طرح کمربند-جاده چین دور کردند تا به رسمیت شناختن و حمایت گسترده‌تر از جامعه بین‌المللی را برای این بانک به دست آورند. جین لیگون، رئیس بانک سرمایه‌گذاری زیربنایی آسیا، در ژوئن ۲۰۱۶، طی جلسه‌ای با مدیران جهانی، موضع چین را توضیح داد و اظهار داشت که در حالی که بانک، سرمایه‌گذاری‌های طرح کمربند-جاده را تأمین می‌کند، بانک سرمایه‌گذاری زیربنایی آسیا، صرفاً برای این منظور تأسیس نشده است.

رئیس جمهور شی، این اظهارات را هنگام شرکت در نشست بهار ۲۰۱۶ بانک جهانی در واشنگتن دی سی بیان کرد: ما پروژه‌های زیرساختی را در همه اقتصادهای بازارهای نوظهور تأمین مالی خواهیم کرد، حتی اگر آنها به طرح کمربند و جاده تعلق نداشته باشند.

بانک سرمایه گذاری زیربنایی آسیا همچنین با بانک توسعه جدید (یک بانک توسعه چندجانبه که توسط کشورهای بریکس برای رفع نیازهای توسعه و زیرساخت تأسیس شده است) همکاری هایش را دنبال کرد. هدف همکاری بانک سرمایه گذاری زیربنایی آسیا و بانک توسعه جدید، بهبود زیرساخت ها با تمرکز بر پایداری بلندمدت در مناطق تحت قلمرو بریکس و طرح کمربند-جاده است.

این بانک ها یک شبکه همکاری مالی، منطقه ای و محلی با بانک های توسعه چندجانبه و ملی و همچنین سایر مؤسسات و فعالان بازار تشکیل می دهند. برای برآوردن نیازهای رو به رشد زیرساخت آسیا و کمک به رشد اجتماعی و اقتصادی منطقه، بانک ها از شراکت خود با سایر بانک های توسعه چندجانبه و تامین کنندگان مالی خصوصی نیز استفاده می کنند.

پروژه های مشترک بانک سرمایه گذاری زیربنایی آسیا و طرح کمربند-جاده تا سال ۲۰۱۷



با این حال، طبق یک نظرسنجی در سال ۲۰۱۸، بانک سرمایه گذاری زیربنایی آسیا تا به امروز فقط کمی بیش از ۳/۵ میلیارد دلار وام داده است که به نظر می رسد تنها یک سوم آن به طرح کمربند-جاده مرتبط است. در مقایسه، بانک توسعه چین و اگزیم بانک اعلام کردند که حدود ۱۰۲ میلیارد دلار وام داده اند و صدها میلیارد دلار اعتبار به طرح کمربند-جاده اختصاص داده اند. اداره ارز دولتی، شرکت سرمایه گذاری چین، اگزیم بانک چین و بانک توسعه چین از جمله چهار عضو صندوق راه ابریشم هستند. شی جین پینگ از زمانی که دبیرکل حزب کمونیست چین شد، "رویای چینی" را که به بهترین شکل توسط طرح کمربند-جاده و بانک سرمایه گذاری زیربنایی آسیا نشان داده شده است، پیش برد. ایجاد یک جامعه مرفه و تغییر موازنه جهانی، که از زمان صنعتی شدن در طول دو قرن گذشته تحت تسلط کشورهای غربی بوده است. یک استراتژی سیاسی از بالا به پایین برای ترویج این رویا در حزب راه اندازی شد و از آن زمان به موضوعی تکراری در حزب تبدیل شد.

در مقایسه با بانک سرمایه گذاری زیربنایی آسیا، هیأت حاکمه و بانک های تجاری چین انتخاب انعطاف پذیرتری برای تامین مالی پروژه های طرح کمربند-جاده دارند که به ویژه برای منافع چین مهم است. بانک های سیاست گذاری به عنوان عامل های سرمایه داری دولتی چین که از سرمایه یارانه ای برای دستیابی به ترکیبی از اهداف تجاری و ژئوپلیتیکی استفاده می کنند عمل می کنند.

برنامه های زیرساخت، انرژی و حمل و نقل همگی توسط بانک توسعه چین تامین می شوند. بانک اگزیم، بر تجارت تمرکز دارد؛ امور مالی و ترویج کالاها و خدمات چینی، که همگی برای شرکت های دولتی چین مهم هستند.

پیش بینی می شد که بانک سرمایه گذاری زیربنایی آسیا هر سال ۱۰ تا ۱۵ میلیارد دلار در طول پنج یا شش سال اول وام بدهد و تأسیس آن به عنوان شواهد دیگری از تعادل مجدد اقتصاد جهان از غرب به شرق باشد.

گفته می‌شود؛ رویای چینی شی جین پینگ بخشی از تلاش رهبری جدید چین برای تضمین صلح داخلی و حفظ قدرت و اعتبار در داخل است. هنگامی که خشم عمومی و تظاهرات در سراسر چین در سال ۲۰۱۲ به دلیل اختلالات اقتصادی فزاینده در کشور به راه افتاد، رویای چینی انگیزه ای برای بسیج یا سازماندهی مردم چین و آغاز تلاش های ضد فساد و اصلاح برای نشان دادن تعهد و پاکسازی ایجاد کرد. این امر به مردم چین این امکان را داد تا با ارائه چشم اندازی برای رشد چین در چند دهه آینده، به مشکلات فوری کشور در کاهش رشد اقتصادی و کمبود مصرف نگاه کنند. شی جین پینگ، بارها در سخنرانی های خود درباره «رویای چینی» تاکید کرده است که چین به عنوان یک نیروی مهم باید دیدگاه و رویکرد مناسبی برای دفاع از «عدالت» و پیگیری «منافع» در جامعه بین المللی داشته باشد. این مهم، چین را تشویق می‌کند تا به دنبال خواسته‌های خود برای دستیابی به رشد بیشتر و در عین حال در نظر گرفتن خواسته‌های دیگران باشد.



با گسترش «رویای چینی» در سطح بین‌المللی به عنوان ادامه راهبرد رشد صلح‌آمیز چین، برنامه قدرت، و در نتیجه تلاش چین برای ایجاد تصویر بهتری از خود در سطح بین‌المللی به عنوان دولتی که در برابر سازمان‌های بین‌المللی مغرضانه مانند بانک جهانی ایستاده و توسعه را ترویج می‌کند، همچنان دنبال می‌شود. این ایده‌ها برای تقویت قدرت نرم چین و همچنین تبادل فرهنگی و همکاری بین کشورهای مسیر طرح کمربند-جاده در نظر گرفته شده است. چین تمایل دارد همکاری اقتصادی و رشد مسالمت‌آمیز با اقصی نقاط جهان را با کم اهمیت جلوه دادن تاثیر دیپلماتیک و نظامی طرح کمربند-جاده حفظ کند. با توسعه همکاری بین المللی، طرح کمربند-جاده و بانک سرمایه گذاری زیربنایی آسیا، رویکرد چینی اقتدارگراتر و قاطعانه تر برای دفاع از حاکمیت و منافع اصلی چین را ارائه می‌دهند. این امر به‌ویژه با توجه به اصرار شی بر جوان سازی چین، که به عنوان بازیابی موقعیت، امتیازات و نفوذ بین‌المللی چین به تصویر کشیده می‌شود، مشهود است. در زمان شی، چین در پیشبرد ایده های چین در مورد رشد جامعه بین المللی و موقعیت چین در آن، و همچنین در ارائه اصول و برنامه های سیاسی خود، مانند طرح کمربند-جاده، خوشبین تر شده و فعالانه تر تلاش می‌کند تا رویدادها را تغییر دهد و روندها همچون "رویای چینی" مثال عالی برای نشان دادن پذیرش استراتژی "فن فایو وی" [تلاش برای موفقیت] و شروع نمایش و استفاده از مهارت ها و اعلام یا رقابت برای رهبری است. به منظور تحقق "رویای چینی"، چین باید منافع اصلی خود را که برای اولین بار توسط دای بینگو، عضو شورای ایالتی، به طور رسمی در سال ۲۰۰۹ به عنوان ساختار قدرت اساسی و امنیت دولت شناسایی شد، تضمین کند. همچنین حاکمیت دولت و تمامیت ارضی را نیز تثبیت کند. با روی کار آمدن شی جین پینگ، این منافع گسترش یافت و شامل «توسعه مسالمت آمیز» و «اتحاد مجدد ملی» سرزمین‌هایی شد که در حال حاضر توسط جمهوری خلق چین و جمهوری چین اشغال شده است که به طور بالقوه منجر به ایجاد یک اتحادیه رسمی بین دو جمهوری خواهد شد. این منافع در فهرست منافع اصلی چین در کتاب سفید ۲۰۱۱ گنجانده شد.

شی جین پینگ این منافع اصلی را در خط مقدم سیاست خارجی چین قرار داده است. چین به صراحت اعلام کرده است که حفظ منافع اصلی آن، بخشی جدایی ناپذیر از همکاری برد-برد است و هشدار داده است که کشورهای خارجی باید به منافع چین احترام بگذارند تا به اهداف مدنظرشان دست یابند.

ابتکار و سرمایه گذاری کمربند و جاده

شی جین پینگ اغلب از این ایده رشد متقابل و "رویای چینی" در سخنرانی های خود در کنفرانس های بین المللی، چه در داخل و چه در خارج از چین استفاده می کند. [چین] هرگز از حقوق و منافع مشروع خود دست نخواهد کشید. هیچ کشوری نباید انتظار داشته باشد که چین، منافع اصلی خود را معامله کند یا میوه تلخی را که حاکمیت، امنیت و منافع توسعه آن را تضعیف می کند، ببلعد. منافع اصلی چین فراتر از حاکمیت اساسی و امنیت دولتی است. چین از هجدهمین کنگره حزب، ادعاهای ارضی متعددی داشته و مواضع خود را در مورد تایوان، دریای چین جنوبی و سایر موضوعات مربوط به منافع اصلی چین، به ویژه در اتحادیه همکاری های منطقه ای حاشیه اقیانوس هند، مطرح کرده است.

چین تمایز مستقیمی بین آنچه مناسب است و آنچه که نیست قائل شده است و برای محافظت از منافع اصلی خود و همچنین حقوق قانونی خود با قاطعیت عمل کرده است. در حال حاضر ۹۰ درصد نفت خام چین از طریق حمل و نقل دریایی وارد می شود. نفت از طریق سه مسیر اصلی حمل می شود: (۱) خلیج فارس - تنگه هرمز - تنگه مالاکا - چین. (۲) شمال آفریقا - مدیترانه - تنگه جبل الطارق - دماغه امید خوب - تنگه مالاکا - چین. و (۳) غرب آفریقا - دماغه امید خوب - تنگه مالاکا - چین. تنگه مالاکا و تنگه هرمز نفوذ گسترده ای بر شبکه های واردات نفت چین دارند. تنگه هرمز به دلیل هجوم روزانه ۱۷ میلیون بشکه نفت در روز، مهم ترین نقطه متراکم نفتی جهان است. به گفته اداره اطلاعات انرژی، بیش از ۸۵ درصد نفت خامی که از این نقطه بارگیری می شود به بازارهای آسیایی می رود که اکثریت قریب به اتفاق آن به چین رفته است. چالش های تنگه های مالاکا و هرمز یکی از بزرگترین چالش هایی است که چین از آغاز قرن حاضر در آسیای جنوبی و جنوب شرقی با آن مواجه شده است. اصطلاح "معضل مالاکا" و "معضل هرمز" پس از آنکه هو جینتاو در سال ۲۰۰۳ اعلام کرد که "برخی از نیروهای اصلی" مصمم به تسلط بر دو تنگه هستند و به آنها فرصت قطع منابع انرژی چین را می دهند، رایج شد. راه حل پیشنهادی این بود که کاهش وابستگی وارداتی از طریق بهره‌وری انرژی و بهره‌برداری از منابع جایگزین انرژی، سرمایه‌گذاری در ساخت خطوط لوله‌ای که تنگه‌ها را دور می‌زنند، و ایجاد نیروهای دریایی معتبر که قادر به تأمین امنیت خطوط ارتباطی دریایی چین باشند، در دستور کار قرار گیرد. روی کاغذ، چین راه حلی برای مقابله با مسائل فوق داشت، اما در دوران رهبری هو جین تاو، چین توانایی و ظرفیتی برای دور زدن تنگه‌ها، داشتن نیروی دریایی معتبر یا اداره کشوری با بیش از یک میلیارد نفر به مدد منابع جایگزین قدرت نداشت.

شی جین پینگ اغلب از این ایده رشد متقابل و "رویای چینی" در سخنرانی های خود در کنفرانس های بین المللی، چه در داخل و چه در خارج از چین استفاده می کند. [چین] هرگز از حقوق و منافع مشروع خود دست نخواهد کشید. هیچ کشوری نباید انتظار داشته باشد که چین، منافع اصلی خود را معامله کند یا میوه تلخی را که حاکمیت، امنیت و منافع توسعه آن را تضعیف می کند، ببلعد. منافع اصلی چین فراتر از حاکمیت اساسی و امنیت دولتی است. چین از هجدهمین کنگره حزب، ادعاهای ارضی متعددی داشته و مواضع خود را در مورد تایوان، دریای چین جنوبی و سایر موضوعات مربوط به منافع اصلی چین، به ویژه در اتحادیه همکاری های منطقه ای حاشیه اقیانوس هند، مطرح کرده است.

چین تمایز مستقیمی بین آنچه مناسب است و آنچه که نیست قائل شده است و برای محافظت از منافع اصلی خود و همچنین حقوق قانونی خود با قاطعیت عمل کرده است. در حال حاضر ۹۰ درصد نفت خام چین از طریق حمل و نقل دریایی وارد می شود. نفت از طریق سه مسیر اصلی حمل می شود: (۱) خلیج فارس - تنگه هرمز - تنگه مالاکا - چین. (۲) شمال آفریقا - مدیترانه - تنگه جبل الطارق - دماغه امید خوب - تنگه مالاکا - چین. و (۳) غرب آفریقا - دماغه امید خوب - تنگه مالاکا - چین. تنگه مالاکا و تنگه هرمز نفوذ گسترده ای بر شبکه های واردات نفت چین دارند. تنگه هرمز به دلیل هجوم روزانه ۱۷ میلیون بشکه نفت در روز، مهم ترین نقطه متراکم نفتی جهان است. به گفته اداره اطلاعات انرژی، بیش از ۸۵ درصد نفت خامی که از این نقطه بارگیری می شود به بازارهای آسیایی می رود که اکثریت قریب به اتفاق آن به چین رفته است. چالش های تنگه های مالاکا و هرمز یکی از بزرگترین چالش هایی است که چین از آغاز قرن حاضر در آسیای جنوبی و جنوب شرقی با آن مواجه شده است. اصطلاح "معضل مالاکا" و "معضل هرمز" پس از آنکه هو جینتاو در سال ۲۰۰۳ اعلام کرد که "برخی از نیروهای اصلی" مصمم به تسلط بر دو تنگه هستند و به آنها فرصت قطع منابع انرژی چین را می دهند، رایج شد. راه حل پیشنهادی این بود که کاهش وابستگی وارداتی از طریق بهره‌وری انرژی و بهره‌برداری از منابع جایگزین انرژی، سرمایه‌گذاری در ساخت خطوط لوله‌ای که تنگه‌ها را دور می‌زنند، و ایجاد نیروهای دریایی معتبر که قادر به تأمین امنیت خطوط ارتباطی دریایی چین باشند، در دستور کار قرار گیرد. روی کاغذ، چین راه حلی برای مقابله با مسائل فوق داشت، اما در دوران رهبری هو جین تاو، چین توانایی و ظرفیتی برای دور زدن تنگه‌ها، داشتن نیروی دریایی معتبر یا اداره کشوری با بیش از یک میلیارد نفر به مدد منابع جایگزین قدرت نداشت.

سرمایه‌گذاری‌های هوانوردی عمدتاً برای ساخت فرودگاه‌ها در آفریقا انجام می‌شود، اما شامل توسعه ارتقای فرودگاه بین‌المللی ترکیه نیز می‌شود. سرمایه‌گذاری‌های ریلی شامل پروژه‌های راه آهن پرسرعت است که چین را از طریق تایلند و مالزی به سنگاپور متصل می‌کند (راه آهن کونمینگ-سنگاپور). مانند بندر گوادر که توسط شرکت هلدینگ بندر خارج از کشور چین اداره می‌شود، که یک پروژه استراتژیک مهم و بحث‌برانگیز برای چین است، می‌شود. سایر سرمایه‌گذاری‌های بندری استراتژیک شامل پیره، یونان، لامو و مومباسا، کنیا و جیبوتی است. با افزایش قابل توجه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، چین با تبدیل اقتصاد خود که زمانی صرفاً به عنوان تولیدکننده جهانی شناخته می‌شد، به یک سرمایه‌گذار جهانی تبدیل شده است. پس از ایالات متحده، چین دومین عرضه‌کننده و دریافت‌کننده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بوده است هر چند که ساختارها و فرهنگ‌های بین چین و کشورهای میزبان همچنان موانعی را برای ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به چین ایجاد می‌کند. در حالی که بسیاری از کشورهای حوزه قلمرو طرح کمربند-جاده از تلاش‌های چین برای تقویت همکاری و رشد اقتصادی منطقه قدردانی می‌کنند، نگرانی گسترده‌ای وجود دارد که ظرفیت مازاد گسترده چین از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به اقتصاد داخلی آنها صادر شود و رقبا را در بازار محلی جایگزین کند زیرا سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین به عنوان منبعی جستجوگر مناطق بکر تلقی می‌شود. علاوه بر این، کشورهای توسعه نیافته حوزه طرح کمربند و جاده با حکمرانی ضعیف تا کنون نتوانسته‌اند به طور کامل با استفاده از سرمایه‌گذاری چین رونق بگیرند. معرفی برند بریز توسط چین یک تلاش تاکتیکی برای دستیابی به برتری در اتحادیه همکاری‌های منطقه‌ای حاشیه اقیانوس هند به عنوان راهی برای تضمین امنیت منافع اصلی خود است. استراتژی کنونی چین برای تأمین کرسی موثر و برتر در معادلات جهانی، تهاجم آشکار و کشورگشایی نیست، بلکه متمرکز بر استفاده از طرح‌های چون طرح کمربند-جاده برای تقویت موقعیت خود از طریق وارد کردن کشورها به مدار خود و در عین حال افزایش روزافزون قدرت و ظرفیت خود برای اعمال نیرو از نظر سیاسی، دیپلماتیک و نظامی است.

مفاهیم سرمایه‌گذاری

چندین اولویت کلی که حضور نظامی چین در منطقه را هدایت می‌کند را می‌توان از اسناد سیاست امنیتی چین و همچنین ادبیات گسترده تر تشخیص داد: تأمین منابع انرژی حیاتی، دفاع از سرمایه‌گذاری‌های خارج از کشور و غیرنظامیان چینی، تقویت اعتبار و قدرت سیاسی چین، و حفظ بازدارندگی استراتژیک. این اولویت‌های کلی که استراتژی نظامی را هدایت می‌کنند، توسط فعالیت‌های تجاری و الگوهای سرمایه‌گذاری چین در اتحادیه همکاری‌های منطقه‌ای حاشیه اقیانوس هند تقویت می‌شوند. زیرساخت برای چشم‌انداز و اهداف طرح کمربند-جاده بسیار مهم است، همانطور که با این واقعیت نشان می‌دهد که بیشترین هزینه را در طولانی‌ترین دوره زمانی داشته است. با این حال، بازگشت اقتصادی کمی در سرمایه‌گذاری وجود داشته است. بودجه دولتی چین از طرح کمربند-جاده به اندازه کافی عوامل خارجی را بسیج می‌کند تا هر گونه سرمایه‌گذاری که در غیر این صورت غیرقابل سرمایه‌گذاری باشد به پروژه‌ای موفق تبدیل شود.

گسترش نفوذ اقتصادی و نظامی چین در اتحادیه همکاری‌های منطقه‌ای حاشیه اقیانوس هند باعث نگرانی گسترده در منطقه و سراسر جهان شده است. وزارت امور خارجه هند و نیروی دریایی هند از اجرای تدریجی پیشنهادها پکن در اتحادیه همکاری‌های منطقه‌ای حاشیه اقیانوس هند آگاه هستند. هند برای نشان دادن قدرت خود به عنوان یک همسایه، از جمله با انتقال کشتی‌های کوچک و هواپیماهای دورنیه به موریس و سیشل، تلاش کرده است با دیپلماسی دریایی چین مطابقت داشته باشد. با این حال، از آنجایی که اقتصاد چین چهار برابر هند است، هند با شکاف سرمایه‌بزرگی مواجه است. چین دیدگاه عمومی بسیار گسترده‌ای را برای تلاش‌های نظامی خود در اتحادیه همکاری‌های منطقه‌ای حاشیه اقیانوس هند بیان کرده است.

چین امیدوار است که با هماهنگ کردن همه این پروژه‌ها - اتصال همه راه‌آهن‌ها، اتصال همه رودخانه‌ها به راه‌آهن - هر پروژه فردی بتواند در مجموع به بازده بالاتری دست یابد. با این حال، اگر نهادهای باثباتی در پشت هر یک از این سرمایه‌گذاری‌ها وجود نداشته باشد، نمی‌توان انتظار بازگشت داشت. علاوه بر این، مشخص نیست که چین «نیازهای ژئوپلیتیکی» را دنبال می‌کند یا صرفاً برای بازگشت اقتصادی سرمایه‌گذاری‌هایش تلاش می‌کند.

کامبوج و میانمار نمونه‌های خوبی از اقدامات چین در جنوب شرقی آسیا هستند. به دلیل مسیرهای حمل و نقل زمینی، بنادر و خطوط دریایی و همچنین عضویت در آسه‌آن، هر دو کشور از نظر استراتژیک مرتبط هستند. اگر بنادری در کامبوج و میانمار ساخته شوند، چین موقعیت‌های استراتژیکی را در دو طرف شرقی و غربی تنگه مالاکا به دست می‌آورد و بخشی از معضل مالاکا را حل می‌کند.

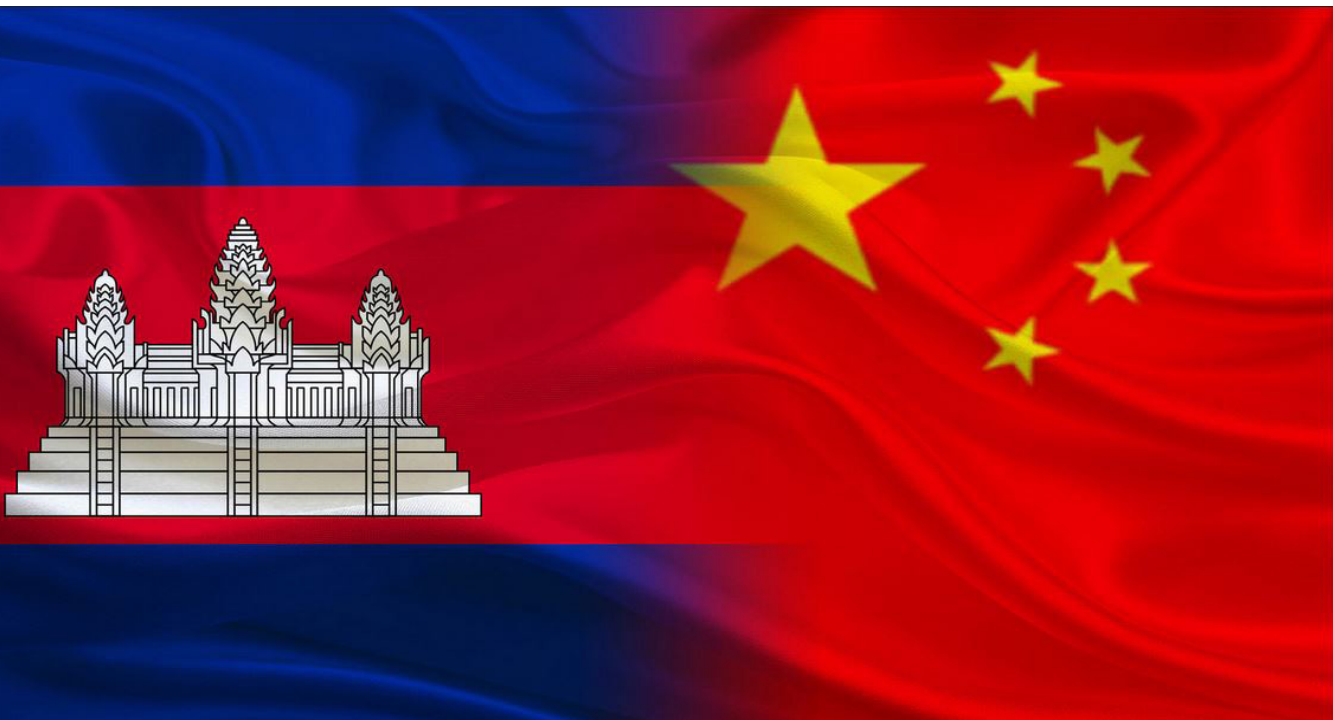


به طور همزمان، خطوط لوله در میانمار امکان یک مسیر تامین را فراهم می‌کند که به طور کلی از تنگه مالاکا اجتناب می‌کند. علاوه بر این، هر دو کشور گزینه‌ای را برای نقل مکان برخی از کارخانه‌های تولیدی ارزان قیمت به خارج از کشور به عنوان بخشی از استراتژی بیرون رفتن چین ارائه می‌دهند، زیرا هزینه‌های نیروی کار هر دو کشور بسیار کمتر از چین است. این سیاست، شرکت‌های چینی را تشویق می‌کند تا در خارج از کشور به ویژه در بخش انرژی سرمایه‌گذاری کنند. به دلیل میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری چینی، کامبوج به یکی از اقتصادهای با رشد سریع در جهان تبدیل شده است. این کشور در سال ۲۰۱۶ از محکومیت درخواست‌های سرزمینی چین در دریای چین جنوبی توسط آسه‌آن جلوگیری کرد. دولت کامبوج آماده است تا برای راضی کردن مقامات چینی از هر اقدامی استفاده کند. برای مثال، پایگاه دریایی ریم تحت کنترل نیروی دریایی سلطنتی کامبوج در ساحل خلیج تایلند در استان سیهانوکویل، محل رونق کازینو به رهبری چین و ایجاد منطقه ویژه اقتصادی بوده است. با یک قرارداد ۹۹ ساله، این پروژه متعلق به یک شرکت چینی است و شامل پیشنهادات مبهم برای یک فرودگاه بین‌المللی، یک بندر دریایی عمیق، یک پارک صنعتی و یک استراحتگاه مجلل با نیروگاه‌های برق، تصفیه‌خانه‌های آب و امکانات پزشکی است. گستردگی این تفرجگاه این نگرانی را ایجاد کرده است که ممکن است بخشی از طرح گسترده‌تر چین برای استقرار قوای نظامی در کامبوج باشد. حضور نیروی دریایی در آنجا ردپای ژئوپلیتیکی چین را تا آسیای جنوب شرقی گسترش می‌دهد و کنترل این کشور را بر مناطق مورد مناقشه در دریای چین جنوبی و آبراه‌هایی که تریلیون‌ها دلار تجارت دارند، تحکیم می‌کند. بر اساس گزارش‌ها، شرکت‌های چینی مسئول ۷۰ درصد توسعه صنعتی در کامبوج در اوایل سال ۲۰۱۷ بودند. چین حداقل ۳۶۹۰۰۰ هکتار امتیاز زمین را در اختیار داشت و تقریباً ۲۰ درصد از خط ساحلی کامبوج را از حقوق ساخت و ساز برخوردار بود. بندر کوه کنگ، واقع در استان کوه کنگ، نمونه‌ای از سرمایه‌گذاری قابل توجه زیرساختی چین است. این یک اجاره به مساحت ۴۵۰۰۰ هکتار است که به مدت ۹۹ سال به یک شرکت چینی با سود ۱۰۰ درصدی سهام داده شده است.

این پایگاه در کامبوج، دامنه نظامی چین را گسترش خواهد داد و بسیاری از مناطق دیگر مورد مناقشه با تایوان را در آستانه یک کانال احتمالی از طریق تایلند قرار می دهد، پروژه ای طولانی مدت که اخیراً دوباره ظاهر شده و مسیر چین را به اقیانوس هند کوتاه می کند. اگر چه هون سن معتقد است که کامبوج تأسیسات دریایی خارجی را نمی پذیرد، گزارش های اخیر نشان می دهد که گروه توسعه اتحادیه چین در حال نزدیک شدن به اتمام پروژه خود در استان کوه کنگ است که طول آن به اندازه باندهایی است که چین در جزایر دریای چین جنوبی ساخته است. زیرساختی برای هواپیماهای شناسایی نظامی، جنگنده و بمب افکن! الگوی ساخت پایگاه های نظامی جدید چینی را می توان با افزایش سرعت چین و نظامی سازی تأسیسات در جزایر اسپراتلی مشاهده کرد.

در ابتدا، شرکت های ساختمانی دولتی و خصوصی چین شروع به پیگیری تلاش ها برای ایجاد پایگاه دریایی کردند که توسط مقامات چینی تکذیب شد و اظهار داشتند که این تلاش ها هرگز وجود نداشته است. مقامات چینی گفتند که ساخت و سازهای انجام شده توسط شرکت های خصوصی به دلایل بشردوستانه انجام شده است و بارها اعلام کردند که دریای چین جنوبی را نظامی نمی کنند. هنگامی که این تأسیسات نظامی شدند، پکن توضیحات خود را دوباره تغییر داد و ادعا کرد که پایگاه های نظامی صرفاً ماهیت دفاعی دارند. چین طرح های نظامی سازی جزایر را رد کرد، اما اکنون «موشک های کروز ضد کشتی، موشک های زمین به هوا و تجهیزات پرازیت کننده نظامی» را در خود جای داده است.»

ممکن است کامبوج اجازه سرمایه گذاری به چین را سودمند بداند، اما این سرمایه گذاری ها خطراتی مانند فقدان خودمختاری به دلیل اجاره های طولانی مدت، محرومیت کشور میزبان و سایر کشورها از سرمایه گذاری، و دخالت در سیاست داخلی یک کشور به همراه دارند.





مانند مورد میانمار، که در آن چین آن کشور را به یک میلیارد دلار جریمه اقتصادی برای رها کردن پروژه سد میتسون تهدید کرد. لائوس یکی از فقیرترین کشورهای آسیای جنوب شرقی است، اما در سال های اخیر به طور پیوسته در حال رشد بوده است و رشد تولید ناخالص داخلی آن به طور متوسط ۸ درصد است. از سال ۲۰۱۳، صندوق بین‌المللی پول نسبت به توانایی لائوس برای پرداخت بدهی‌های خود در صورت ادامه پیشنهادات برای ساخت راه آهن چین-لائوس و همچنین سایر پروژه‌های سرمایه بزرگ ابراز نگرانی کرده است.

هزینه ۶ میلیارد دلاری راه آهن نزدیک به نیمی از تولید ناخالص داخلی کشور را تشکیل می دهد، و در حالی که مقامات وزارت دارایی لائوس تاکید می کنند که دولت اکثریت قریب به اتفاق منابع مالی دریافتی از بانک اگزیم چین را تضمین نمی کند، دولت لائوس تحت فشار قابل توجهی قرار گرفته است.

چین با سایر کشورهای اقیانوس هند از جمله مالدیو نیز روابط اقتصادی دارد، جایی که بودجه ساخت پل جدید و سایر سرمایه گذاری ها را تامین کرده است. عبدالله یمین رئیس جمهور سابق مالدیو در سال ۲۰۱۷ توافقنامه تجارت آزاد با چین را برای ساخت پروژه ای جاه طلبانه در جزیره شمالی ایهاوندیپولو، نزدیک هند امضا کرد. این بندر دارای یک بندر جدید، فرودگاه، ترمینال کروز و اسکله خواهد بود. سرمایه گذاری چین در مالدیو با انگیزه منافع اقتصادی تامین امنیت آبراه های حیاتی است. با این حال، هزینه های این سرمایه گذاری های بزرگ از توانایی مالی مالدیو فراتر می رود و باعث می شود که کشور به دام بدهی بیفتد و در برابر انگیزه های ژئوپلیتیک چین آسیب پذیر شود.

تله بدهی، شیوه های وام دهی اجباری چین است که در آن کشورهای در حال توسعه بیش از حد بار سنگینی را تحمل می کنند. بدهی بیش از حد دارند و مجبور می شوند مالکیت اموال حیاتی را به چین بسپارند، که سپس برای معاملات دسترسی به نفع ارتش چین مورد استفاده قرار می گیرد. این آسیب پذیری در برابر انگیزه های ژئوپلیتیک چین در مورد سریلانکا بهتر دیده می شود.

میانمار از دهه ۱۹۹۰ که توسط حکومت نظامی اداره می شد، برای بقای اقتصادی به شدت به چین وابسته بود. یکن با ارائه وام های کم بهره و کمک های فنی و همچنین خرید تسلیحات بسیار مورد نیاز که ژنرال ها از آن برای تقویت امنیت داخلی استفاده کردند، به میانمار کمک کرد. در سال ۱۹۸۹، حکومت نظامی یک میلیارد دلار تسلیحات از چین وارد کرد که بزرگترین فروش سلاح در تاریخ میانمار بود. در سال ۱۹۹۴ قرارداد نظامی ۴۰۰ میلیون دلاری دیگری منعقد شد. در این دوره، چین همچنین به میانمار در بازسازی و نوسازی تعدادی از بنادر تجاری و پایگاه های دریایی کمک کرد. در عوض، چین به منابع طبیعی دسترسی پیدا کرد و به ایجاد یک کریدور استراتژیک از جنوب غربی چین تا خلیج بنگال نزدیک شد. پس از گذار میانمار به دموکراسی، دولت چندین پروژه چینی که قبلاً متوقف شده بود را احیا کرد و در عین حال پروژه های دیگری را نیز تایید کرد. دولت میانمار دو میلیارد دلار از خطوط لوله متعلق به چین دریافت می کند که نفت و گاز را به استان یوننان چین منتقل می کند. این نمونه ای عالی از چین است که از سرمایه گذاری های زیرساختی در آسیای جنوب شرقی برای تقویت ثبات انرژی خود با ایجاد مسیرهای عرضه جایگزین به تنگه مالاکا استفاده می کند. گروه سرمایه گذاری دولتی «سیتیک» چین دارای ۷۰ درصد از یک بندر در عمق دریا، منطقه صنعتی، مرکز لجستیک و سایر تأسیسات در کیاکیپو خواهد بود که ساخت آن در سال ۲۰۱۵ آغاز شد. منطقه خاص این پارک های صنعتی منجر به ایجاد یک شهر نیابتی چین در مرزهای یک کشور مستقل دیگر می شوند علاوه بر این، زمانی که همه چیز طبق برنامه پیش نمی رود، چین دولت مذکور را تحریم می کند،

پروژه احیای زمین، به آنها اجازه می دهد تا ساخت پروژه ۱,۴ میلیارد دلاری شهر بندری کلمبو را آغاز کند. ۸۲ همکاری امنیتی چین با سریلانکا، به لطف کمک استراتژیک پکن به کلمبو در مراحل پایانی جنگ داخلی، اساسی تر است.

اخیراً، مدیران این پروژه، چند بازدید از کلمبو داشته اند. دو ارتش تمرینات مشترکی را انجام داده اند و چین یک ناوچه به نیروی دریایی سریلانکا اهدا کرده و در حال ایجاد زیرساخت در آکادمی نظامی سریلانکا است.



اتکای بیش از حد به چین برای کمک به توسعه ناشی از بدهی و محکومیت خارجی دولت سریلانکا به دلیل شکست در پیگیری صلح قبل و بعد از جنگ داخلی بود. پس از جنگ، فعالیت های بازسازی کشور به شدت به وام های چینی وابسته شد. در سال ۲۰۰۶، اگزیم بانک چین به یک شرکت دولتی چینی ۱,۳۵ میلیارد دلار برای ساخت نیروگاه زغال سنگ در پوتالام، سریلانکا وام داد. در سال ۲۰۰۸، اگزیم بانک، میلیون ها دلار به سریلانکا وام داد تا به توسعه بندر هامبانتوتا در جنوب کشور کمک کند.

سریلانکا تا سال ۲۰۲۰، ۱۵ میلیارد دلار بدهی به طلبکاران خارجی داشته است. به دلیل کمبود بودجه، سریلانکا در مورد مبادله بدهی در برابر سهام مذاکره کرد و به هلدینگ بازرگانان بندر چین یک اجاره ۹۹ ساله و ۸۰ درصد سود در هامبانتوتا داد.

بندر و همچنین ۱۵۰۰۰ هکتار از زمین های اطراف بندر به عنوان یک منطقه صنعتی برای توسعه دهندگان چینی ایجاد می شود.

مالزی و چین سابقه طولانی با هم دارند. چین در حال سرمایه گذاری ۷,۲ میلیارد دلاری برای توسعه مجدد یک بندر مدرن در آب های عمیق در یک بندر عمیق دریایی است که این پیوند تاریخی را بیشتر تقویت می کند. همچنین به برنامه های حمل و نقل در امتداد سواحل شرقی مالزی کمک مالی می کند. چین همچنین متعهد شده است طی پنج سال آینده کالاهایی به ارزش ۲ میلیارد دلار از مالزی وارد کند (افزایشی تقریباً هشت برابری نسبت به واردات سال ۲۰۱۶)، سرمایه گذاری تا ۱۵۰ میلیارد دلار در مالزی و ساخت ۱۰۰۰۰ فضای آموزشی در مالزی. با این حال، ماهاتیر محمد، نخست وزیر سابق مالزی که رهبر اپوزیسیون شده است، از این سرمایه گذاری ها انتقاد کرده و مدعی شده است که این کشور مجبور خواهد شد در ازای سرمایه، قدرت را به چین واگذار کند و در نتیجه صنایع محلی متضرر خواهند شد. ابتکارات طرح کمر بند-جاده راه دیگری برای دستیابی به سرمایه به دست مقامات دولتی برای به دست آوردن نفوذ است. طرح کمر بند-جاده به چین اجازه می دهد تا زیرساخت هایی را در کشورهای دیگر ایجاد کند، مکانیزمی مملو از مجوزهای رسمی، ارزیابی امکان سنجی، مشارکت ذینفعان و سایر روش های وقت گیر. طرح کمر بند-جاده ابزارهای فراوانی برای تسهیل فساد دارد: تزریق وجوهی که به آسانی هدایت می شوند، زیرساخت های درخشان برای راضی کردن شهروندان، و مشارکت نادرست دوستانه با یکی از تأثیرگذارترین کشورهای جهان - همه در یک وعده کاذب در کنار هم قرار گرفته اند که خیر ثروت آن ها تا زمانی که پروژه ساخته می شود، در صورت بروز هرگونه بی نظمی، حداقل به طرف مقابل می رسد. به عنوان مثال، یک شرکت دولتی چینی برای دو پروژه خط لوله مالزی که به تازگی شروع به کار کرده بود، دو میلیارد دلار پیش پرداخت دریافت کرد. یکی دیگر از طرح های طرح کمر بند-جاده - خط راه آهن ساحل شرقی مالزی - آنقدر پرهزینه بود که مقامات گمان می کنند قیمت آن بیش از حد معمول است.

کری دور اقتصادی چین و پاکستان، یک اتصال حیاتی است که چین را به سایر کشورها و همچنین بندر دریایی گوادر که از نظر استراتژیک حیاتی است، متصل می کند و ابتکار شاخص طرح کمر بند-جاده است. دالان اقتصادی پاکستان-چین، مستلزم «توسعه بندر گوادر و ساخت خطوط لوله انرژی، نیروگاه ها، صدها مایل بزرگراه و راه آهن سریع السیر، کابل های فیبر نوری، و مناطق ویژه اقتصادی» با هزینه کل بالغ بر ۶۲ میلیارد دلار است. بندر گوادر یکی از محورهای استراتژیک برون مرزی چین است که هدف آن تسهیل عملیات نظامی، غیرنظامی و دریایی چین در منطقه است.

این یک پروژه با سرمایه گذاری و ساخته شده توسط چین است که به چین امکان دسترسی به بندری در نزدیکی تنگه هرمز در دهانه خلیج فارس را می دهد. پاکستان برای توسعه یک منطقه ویژه اقتصادی صدها هکتار زمین در بندر گوادر را به مدت ۴۳ سال به چین اجاره داد. این بندر همچنین برای قراردادی ۴۰ ساله به شرکت هلدینگ بندر خارج از کشور چین اجاره داده شد که این شرکت ۹۱ درصد از درآمد حاصل از درآمد ناخالص عملیات پایانه و دریایی و ۸۵ درصد از درآمد ناخالص عملیات منطقه آزاد را دریافت می کند. پروژه بندر گوادر چین از نظر استراتژیک با برنامه عظیم کشتی سازی نیروی دریایی ارتش آزادی بخش چین و دستور کار جسورانه برای ایجاد ناوگان چهارم این نیرو به طور خاص برای اتحادیه همکاری های منطقه ای حاشیه اقیانوس هند هماهنگ است و بدین ترتیب هدف پکن برای ایجاد یک نیروی دریایی را برآورده می کند. دالان اقتصادی پاکستان-چین نه تنها برای دفاع از چین بلکه برای رفاه اقتصادی شمال غربی چین نیز ضروری است.

برخلاف سایر سرمایه گذاری های طرح کمر بند-جاده، دالان اقتصادی پاکستان-چین، توانایی تغییر اقتصاد استان توسعه نیافته، روستایی و نا آرام سین کیانگ چین را دارد. کاهش احساسات جدایی طلبانه در سین کیانگ هدفی است که چین امیدوار است دالان اقتصادی پاکستان-چین بتواند با دسترسی سین کیانگ به دریا به آن کمک کند. علاوه بر این، بندر گوادر و خط لوله گاز گوادر-کاشگر، که خلیج بنگال را از طریق میانمار به استان یوننان چین متصل می کند، اجزای حیاتی دالان اقتصادی پاکستان-چین هستند که می توانند به چین در غلبه بر معضل مالاکا کمک کنند. اگر چه پاکستان یکی از بحرانی ترین کشورهای حوزه قلمرو طرح کمر بند-جاده از نظر سرمایه گذاری است و یکی از سرسخت ترین حامیان این طرح است، اما نگرانی ها در مورد بدهی های بیش از حد دولت، پاکستان را بر آن داشت تا برخی از جنبه های طرح دالان اقتصادی پاکستان-چین را مورد بازنگری قرار دهد.

در زمان نخست وزیری عمران خان، رهبر دولت پوپولیستی جدید، که نسبت به افزایش سطح بدهی ابراز نگرانی کرده و می گوید که کشور باید از وام های خارجی خودداری کند، اپوزیسیون در این زمینه قاطع تر شده است.

دولت پاکستان در اواخر سال ۲۰۱۷ از توافق ۱۴ میلیارد دلاری با چین برای توسعه سد دیامر-باشا خارج شد، زیرا شرایط تامین مالی «بیش از حد سخت» را که شامل کنترل پروژه و همچنین عملیات و نگهداری از سوی چین بود، رعایت نکرد.



جیبوتی کشور آفریقایی با کوچکترین مساحت خشکی است که در انتهای شاخ آفریقا واقع شده است. با این حال، جیبوتی در مجاورت خاورمیانه است و موقعیت آن در مسیرهای تجاری نفت قرار دارد. به دلیل وجود تنگه باب المندب، جیبوتی برای عرضه جهانی انرژی بسیار استراتژیک است. پیوندهای جیبوتی با چین عمدتاً در نتیجه افزایش پیوندهای اقتصادی طرح کمربند-جاده افزایش یافته است و به دلایلی جیبوتی به عنوان دروازه تجاری برای سرمایه گذاری خارجی و فعالیت های اقتصادی چین در قاره آفریقا عمل می کند. اول، موقعیت استراتژیک جیبوتی، در تقاطع یکی از شلوغ ترین خطوط کشتیرانی جهان، با ارزش ترین کالا برای منافع اقتصادی چین است. دوم، جیبوتی به عنوان یک مرکز لجستیکی و تجاری حیاتی در آخرین نقطه استراتژیک جاده ابریشم پکن، که خواستار گسترش مسیرهای تجاری دریایی از چین به اقیانوس هند، خلیج عدن، دریای سرخ و مدیترانه از طریق سوئز است، عمل کرده است. کانال، امکانات لجستیکی و آموزشی که در کشور آفریقایی برای ارتش چین ساخته شده است، نیروهای چینی را قادر می سازد تا به درستی ماموریت های اسکورت را انجام دهند. پایگاه دریایی چین در جیبوتی به گسترش تجارت در خلیج عدن و دریای سرخ و همچنین موفقیت عملیات ضد دزدی دریایی در خلیج عدن کمک می کند. ثالثاً، جیبوتی به دلیل موقعیتش در امتداد کانال های دریایی پر قاچاق، آب های دریای سرخ و تنگه باب المندب، از اهمیت استراتژیک عمومی برای امنیت انرژی چین برخوردار است و در نهایت، به چین یک نقطه ورود کلیدی به زیرساخت های آفریقا می دهد و به این کشور اجازه می دهد تا توانایی تجاری و لجستیکی خود را گسترش دهد.



علاوه بر این، گروه بازرگانان چین، بزرگترین اپراتور بندری این کشور، موافقت کرده است که ۳۵۰ میلیون دلار با یک شرکت دولتی برای تبدیل بندر جیبوتی به یک مرکز تجارت بین المللی هزینه کند. با توجه به موقعیت جیبوتی، نقش استراتژیک در بازار انرژی بین المللی و بزرگترین بندر آب های عمیق در شرق آفریقا، این سرمایه گذاری فرصت ها و مزایای اقتصادی را در ساخت، اجرا و حفظ پروژه بازسازی برای گروه چینی که ۲۳،۵ درصد از سهام را در اختیار دارد، فراهم می کند. مقامات در جیبوتی راه هم تیان سریلانکایی خود را در زمینه استقرار بی رویه دنبال می کنند. بر اساس گزارش مرکز توسعه جهانی، نسبت بدهی ناخالص واقعی جیبوتی به تولید ناخالص داخلی در سال های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ به ترتیب ۷۲،۱ درصد و ۸۶،۶ درصد بوده است، در حالی که نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی پیش بینی شده برای سال های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸، ۸۸،۱ درصد و ۸۷ درصد بوده است.

از سال ۲۰۱۳، چین بیش از یک میلیارد دلار بودجه برای پروژه های توسعه بزرگ در جیبوتی اختصاص داده است.

یک منطقه آزاد تجاری ۳،۵ میلیارد دلاری توسط شرکت های چینی ایجاد می شود و قرار است اولین منطقه آفریقا باشد. فاز اول در سال ۲۰۱۸ به پایان رسید و بین سال های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰، ۲۰۰ هزار شغل جدید ایجاد کرد و بیش از هفت میلیارد دلار تجارت داشت. دیگر سرمایه گذاری های مورد حمایت چین شامل ساخت بنادر دریایی و زیرساخت های دیگر مانند راه آهن و دو فرودگاه (قرارداد ۴۲۰ میلیون دلاری) و یک خط لوله برای رساندن آب از اتیوپی به جیبوتی (قرارداد ۳۲۰ میلیون دلاری) است.

هوای مارین، زیرمجموعه هوآوی، جیبوتی و پاکستان را از طریق کابل فیبر نوری زیر دریایی که بخشی از آخرین کابل ۷۵۰۰ مایلی آسیا، آفریقا و اروپا هوآوی است، به هم متصل می کند که توسط بانک ساختمانی چین تامین می شود. این کابل به یک اتصال زمینی به چین در پاکستان متصل می شود. مقامات خارجی از سراسر جهان نگران هستند که داده های این کابل ها ممکن است برای جاسوسی استفاده شود.

کشورهایی که سطح بدهی به تولید ناخالص داخلی آنها بالاتر از ۷۷ درصد است، در بازه‌های زمانی طولانی با کاهش شدید رشد اقتصادی مواجه هستند به ویژه، به ازای هر درصد بدهی بالاتر از این مقدار، کشورها، ۱,۷ درصد از رشد اقتصادی خود را قربانی می‌کنند. طبق گزارش مرکز توسعه جهانی واشنگتن، چین ۱,۴ میلیارد دلار، تقریباً برابر با کل تولید ناخالص داخلی این کشور، برای تأمین مالی جدید به جیبوتی داده است. پروژه‌هایی معادل با پروژه‌های اضافی به ارزش میلیاردها برنامه ریزی شده است. به گفته صندوق بین‌المللی پول، جیبوتی در حال حاضر یکی از کشورهایی است که دارای مشکل بدهی است، و این به دلیل برنامه‌های زیرساختی دولتی با بودجه خارجی طرح کمربند جاده است که به میزان قابل توجهی افزایش یافته است. انتظار می‌رود کسری بودجه فدرال جیبوتی در سال‌های آینده در نتیجه این وام‌های هنگفت افزایش یابد. با این حال، الیاس موسی دواله، وزیر دارایی جیبوتی، معتقد است که شرکت‌های دولتی جیبوتی بیش از حد کار می‌کنند یا ظرفیت عملکردی بیش از حدی دارند، بنابراین، ارزیابی صندوق بین‌المللی پول نباید نگران‌کننده باشد.

مشخص نیست که آیا سرمایه‌گذاری‌های مختلف به اندازه کافی موفق خواهند بود که بودجه مورد نیاز برای بازپرداخت بدهی‌ها و همچنین نحوه بازپرداخت وام‌ها توسط جیبوتی ایجاد شود. اگر چین، مانند سریلانکا، جیبوتی را برای معاوضه بدهی در برابر سهام تحت فشار قرار دهد یا در ازای امتیاز زمین یا منابع طبیعی، بدهی خود را لغو کند، یا مانند کامبوج، سرمایه‌گذاری‌های جدید با تأمین مالی بدهی را تضمین کند، تعجب‌آور نخواهد بود. جان بولتون، وزیر امور خارجه اسبق ایالات متحده، حدس زد که بازرگانان چینی می‌توانند مالکیت پایانه کانتینری دوراله را در مبادله بدهی در برابر سهام تصاحب کنند و اگر این اتفاق بیفتد، موازنه قدرت در آفریقا به نفع چین خواهد بود. امانوئل مکرون رئیس‌جمهور فرانسه، جیبوتی را به دلیل وابستگی بیش از حد به کمک‌های چین محکوم کرده است.

او گفته است: «آنچه در کوتاه‌مدت می‌تواند خوب به نظر برسد، اغلب در میان‌مدت و بلندمدت بد به نظر می‌رسد، ما نمی‌خواهیم نسل جدیدی از سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی، به حاکمیت شرکای تاریخی ما تجاوز کند یا شرکای تاریخی ما را تضعیف کند.»

از زمانی که برای اولین بار اعلام شد، طرح کمربند-جاده به عنوان یک فرصت طلایی برای احیای اقتصادهای آسیایی و آفریقایی مورد استقبال قرار گرفته است چندسالی ست که می‌گذرد اما امروزه چندین کشور نگران نیات چین هستند.

همانطور که در بالا نشان داده شد، چین برای منافع شخصی خود از وام‌هایی با نرخ بهره تجاری استفاده کرده و قصد دارد از آن استفاده کند. اگرچه طرح کمربند-جاده حمایت زیرساختی حیات‌ی را به کشورهای توسعه یافته ارائه می‌دهد، اما همچنان بسیاری از آنها را در بدهی‌های بیش از حد باقی می‌گذارد.

شرایط و قراردادهای وام‌های طرح کمربند-جاده به‌طور بدنامی مبهم هستند و می‌توانند کشورها را با بدهی‌های قابل توجهی مواجه کنند.

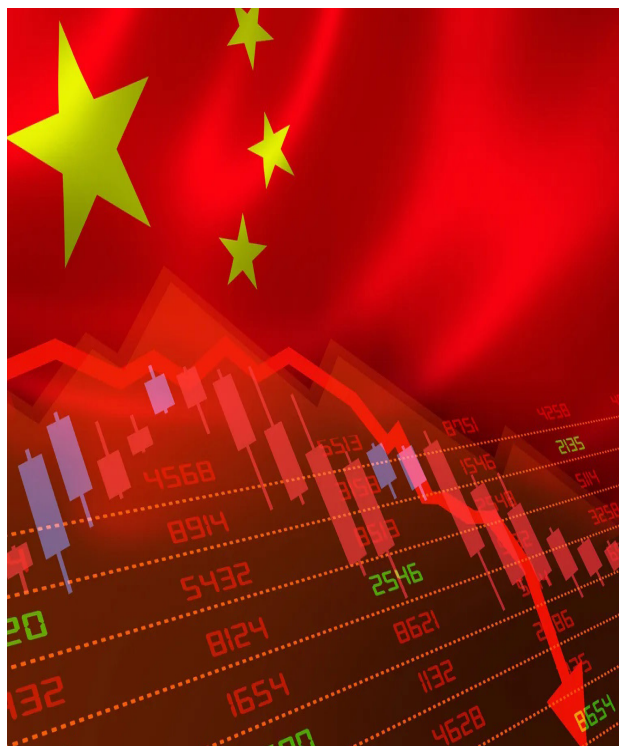
بسیاری از آنها مطمئناً نگرانی‌هایی را در مورد دوام شرکت‌های داخلی در درازمدت دارند. وقتی صحبت از تأمین مالی طرح کمربند-جاده به میان می‌آید، به نظر می‌رسد که کشورهای دریافت‌کننده بیشترین بار مالی را متحمل خواهند شد، در حالی که چین هم از تأمین مالی زیرساخت‌ها و هم از ساخت و ساز سود می‌برد. به عنوان مثال، راه آهن جاکارتا-باندونگ در اندونزی به طول ۱۴۲ کیلومتر، که در ژانویه ۲۰۱۶ آغاز شد، عقب‌تر از برنامه پیش می‌رود. با انجام تنها ۱۰ درصد از ساخت و ساز و تنها نیمی از کل زمین خریداری شده، قیمت پروژه اکنون به دلیل تورم هزینه از ۵,۵ میلیارد دلار به ۶ میلیارد دلار افزایش یافته است. از آنجایی که چین به جای پایبندی به قوانین جاده ای صندوق بین‌المللی پول یا بانک جهانی وام‌های خود را به صورت موردی تخصیص می‌دهد، ممکن است در نهایت آسیب‌پذیری‌های بدهی را در اندونزی اضافه کند.

نتیجه گیری

این مقاله استدلال می‌کند که شی جین پینگ تغییری شگرف در الگوی سرمایه‌گذاری خارجی چین ایجاد کرده است، در درجه اول با ارائه طرح کمربند-جاده، و از طریق این سرمایه‌گذاری در جنوب و جنوب شرق آسیا، اهرم سیاسی و مزیت‌های نظامی قابل توجهی به دست آورده است که امکان برتری را در این کشور فراهم می‌کند. شی جین پینگ اولین دوره ریاست جمهوری خود را با برجسته کردن مشکلات قابل توجهی که کشور با آن مواجه بود و قول بهبودهای شدید برای تضمین پیشرفت اقتصادی کشور آغاز کرد. شی جین پینگ تلاش کرد تلاش‌های بازسازی را که محور طرح «اصلاحات و گشایش» قرار داشت، به عنوان یک دستور کار «جوان‌سازی ملی» به منظور تحقق «رویای چینی» در قالب چارچوبی جدید قرار دهد.

اجرای این سیاست‌ها بر یک طرح و ساختار توسعه متمرکز است که بر ارتباطات و همکاری بین دولت‌ها و سازمان‌های بین‌دولتی و در نتیجه رشد اقتصادی تاکید دارد. این طرح‌ها که به‌عنوان شبکه‌ای از پروژه‌های زیرساختی منطقه‌ای انجام شده‌اند، رشد کرده و شامل یک شبکه تجاری می‌شوند که هدف آن تسهیل تبادل آزاد منابع، فناوری‌ها، کارگران و کالاها، همکاری موفقیت‌آمیز بین چین و سایر اقتصادهای جهان و بهبود آن است.

سیاست یکپارچه و هماهنگ، بقای این استراتژی‌های حمل و نقل ایمن نفت، زغال سنگ و سایر کالاهای حیاتی و همچنین دسترسی به منابع انرژی آسیای مرکزی مورد نیاز برای سرپا نگه داشتن اقتصاد چین را تضمین می‌کند. معرفی این سیاست‌ها، که محصولات چینی را قادر به ورود به بازارهای منطقه‌ای کرد و به استفاده از ظرفیت مازاد صنعتی فوق‌العاده چین کمک کرد. اگر چه تفاسیر و درک متعددی در پشت این ابتکارات انجام شده توسط شی جین پینگ وجود دارد اما چین بر مزایای اقتصادی این طرح‌ها تاکید دارد تحلیلگران خارجی بیشتر نگران اولویت‌های چین و چالش‌هایی هستند که این سیاست ممکن است ایجاد کند تا جنبه‌های اقتصادی آن.



بر اساس مطالعه جدیدی که در سال ۲۰۱۹ توسط مرکز توسعه جهانی انجام شد، هشت کشور دریافت‌کننده تسهیلات طرح کمربند-جاده، همچون: جیبوتی، قرقیزستان، لائوس، مالدیو، مغولستان، مونتنگرو، پاکستان و تاجیکستان در معرض خطر بالای مشکلات بدهی قرار دارند.

همه این کشورها دارای سطح بدهی چشمگیری نسبت به تولید ناخالص داخلی هستند که بیش از ۵۰ درصد است و حداقل ۴۰ درصد از بدهی خارجی شان به چین است.

به عنوان مثال، لائوس که در حال حاضر دارای سطوح بدهی ناپایدار است، در سال ۲۰۱۶، بدهی‌هایش به ۶۸ درصد تولید ناخالص داخلی رسید، و اکنون توسط پروژه راه آهن ۴۱۴ کیلومتری که وینتیان را به بوتن (مرکز چین و لائوس) متصل می‌کند، تشدید شده است.

صندوق بین‌المللی پول نگران است که لائوس، که هیچ راه‌آهنی ندارد، به دام بدهی کشیده شود. این توافق‌ها عمدتاً خیرخواهانه هستند، اما این توافق‌ها شامل مفادی هستند که ممکن است به عنوان ابزار مذاکره توسط چین برای منافع شخصی در آینده استفاده شوند.



چین برای پیاده سازی این طرح‌ها، توافق‌های رسمی و علنی را کمتر ترجیح می‌دهد چرا که توافق‌های پنهان، به این کشور اجازه می‌دهد تا امکان استفاده از توانایی‌های اقتصادی و سیاسی خود را به حداکثر برساند.

علاوه بر این، چین عمدتاً با سازمان‌های دولتی و بدون توجه به منافع شرکت‌ها، سازمان‌های جامعه مدنی و جمعیت محلی تعامل داشته است. یکی از انتقادهای تحریک آمیزتر این است که چین از این ابتکارات برای تحمیل بار بیش از حد کشورهای دریافت کننده، غرق کردن آنها در بدهی و سپس گرفتن وثیقه، که اغلب دارایی‌های استراتژیک مانند ثروت طبیعی یا یک بندر است یا سهام‌های شرکت‌های سود ده آن کشورهاست، استفاده کند.

طرح کمربند-جاده، یک ابتکار دوجانبه به رهبری چین است که هدف آن استفاده از فرآیندهای چندجانبه برای دستیابی به اهداف مالی این کشور است، اکنون درگیر مسائل عدیده مرتبط با بدهی است.

چین از طرح کمربند-جاده در میانمار و پاکستان برای ایجاد اتصالات زمینی به اقیانوس هند استفاده کرده و در عین حال امنیت انرژی خود را با ساخت خطوط لوله به عنوان جایگزینی برای واردات از طریق تنگه مالاکا و دریای چین جنوبی تقویت کرده است.

در حالی که حضور و قدرت چین در اتحادیه همکاری‌های منطقه‌ای حاشیه اقیانوس هند، دسترسی و ساخت بنادر جدید و اقدامات دیپلماتیک معضل مالاکای چین را حل خواهد کرد، روش انتخابی چین برای تضمین برتری، تقویت موقعیت خود از طریق کشاندن کشورها به سمت خود است در حالی که به تدریج حضور و ظرفیت خود را در این کشورها افزایش می‌دهد. بر این اساس، امکان و احتمال اعمال قدرت از نظر سیاسی، دیپلماتیک و نظامی توسط چین، به شدت توسط بازیگران خارجی مورد انتقاد قرار گرفته است.

سرمایه گذاری های بین المللی چین در زمان شی جین پینگ

پیامدهای بلندمدت طرح کمربند و جاده و طرح بانک سرمایه گذاری زیرساخت آسیایی

روسیه نسبت به سیاست های سرمایه گذاری شی جین پینگ محتاط بوده و از تمایل چین برای گسترش به روسیه و آسیای مرکزی می ترسد، سرزمین هایی که مسکو آنها را از نظر ثبات و توسعه اقتصادی حیاتی می داند. تلاش های چین برای هدف قرار دادن آسیب پذیری های سیاسی و اقتصادی در اروپا باعث واکنش تلافی جویانه شد و اتحادیه اروپا در موضع اخیرش، چین را «رقیب سیستمی» نامید. اتحادیه اروپا همچنین نگران است که کسب و کارهای چینی به دلیل مقیاس، حمایت مالی و سیاسی دولت و توانایی در بقا، خطری برای رقبای اروپایی خود ایجاد کنند. پس از اعلام طرح کمربند-جاده، هند این طرح را با دیده شک و تردید نگرست و اظهارات انتقادی در رابطه با شفافیت و بار بدهی ها بیان کرد. هند استدلال می کند که چین از طریق این طرح، برای گسترش و بهره برداری از مزایای ژئوپلیتیک منطقه ای خود استفاده می کند. ایالات متحده و برخی از جامعه بین المللی سوالات جدی در مورد رویه های سرمایه گذاری چین در آفریقا و آسیا دارند.

یکی از انتقادات جدی به چین این است که فساد، برنامه های چین را که فاقد ابتکار، پایداری اقتصادی، پاسخگویی نظارتی و حکمرانی خوب هستند، گرفتار کرده است. چین گفته است که بسیاری از سرمایه گذاری هایش در اتحادیه همکاری های منطقه ای حاشیه اقیانوس هند، تاکنون با همکاری اقتصادی قابل توجه است، اما ایالات متحده، هند و متحدان آنها نگران هستند که چین طیف گسترده ای از بهانه ها را برای دستیابی به قابلیت های استفاده از مکانیسم های دوگانه اتخاذ کرده است که ممکن است روزی استفاده ابزاری از آنها عملیاتی شود یا برای مأموریت های استراتژیک در آب و هوای گرم مفید باشد. دلایل متعددی برای نگرانی در مورد توانایی چین برای اعمال نفوذ اقتصادی و سیاسی قهری به ویژه بر دولت های کوچک و در حال توسعه در اتحادیه همکاری های منطقه ای حاشیه اقیانوس هند وجود دارد. بسیاری از پروژه ها و عملیات های پرمخاطب آن، مانند آن هایی که در بنادر دریایی هستند می توانند به راحتی به مزایای نظامی قابل توجهی مانند مورد سریلانکا تبدیل شوند. شرکت های دولتی چین می توانند کشورها را ترغیب کنند تا بدهی های بیش از حد را به عهده بگیرند و سپس با مبادله بدهی با سهام موافقت کنند و سپس می توانند از آن به نفع ارتش چین استفاده کنند. در شرایط صلح، چین از سرمایه گذاری ها، کسب و کارها و شرکت های کشتیرانی خود برای تقویت لجستیک نیروی دریایی اش استفاده می کند. یک نسخه نرم تر از منطق بدهی، عرضه سهام در برابر ورود پیشنهاد می کند که چین ممکن است از سرمایه گذاری های اقتصادی خود در کریدور اقتصادی چین-پاکستان برای هموار کردن راه برای توافق های دسترسی نظامی در مکان های جدید مانند بندر گوادر که موقعیت استراتژیک دارد، استفاده کند. / پایان



در اندیشه یک دولت رفاهی تمام عیار

همه چیز تجارت نیست؛ ایران امروز نیازمند یک دولت رفاهی ثبات آفرین است

تورم، گرانی، پاندمی، مسابقه ثروت، ارجحیت منافع فردی بر منافع جمعی، طمع، نیاز، تحریم و انباشت بدهی و آینده فروشی، از جمله دلایلی است که به باور نگارنده می توان برای چرایی غلبه بُعد تجارت بر سایر ابعاد زندگی ایرانیان برشمرد.



اما مگر زندگی صرفاً خلاصه شده است در تجارت و اصلاً برآستی آیا تک بُعدی شدن زندگی به توسعه و تعالی خانواده منجر می شود؟ وظیفه دولت ها در توازن چندبُعدی و چندوجهی زندگی آحاد شهروندان چیست؟ برای آن بخشی که تصور کرده اند، زندگی یک مسابقه بی وقفه و بی پایان است؛ آیا این سؤال پیش نیامده است که پایان این مسابقه، کی، کجا و چگونه است؟ برای آن بخشی از جامعه که تصور کرده اند مال اندوزی به خوشبختی شان منجر می شود، آیا این سؤال پیش نیامده است که عاقبت مال اندوزان جهان چه شده است؟ و آنان که در لابه لای سه چهار شغل دست و پا می زنند و سه شیفت کار می کنند تا از پس تأمین مخارج زندگی برآیند، آیا هنوز به یاد دارند که این زندگی، ابعاد دیگری چون تفریح، استراحت، مسافرت، سرگرمی، تعالی معنوی و امثالهم نیز دارد و حق آنان است که بهره مند از این ابعاد زندگی نیز شوند؟

مشکل کجاست که یک سیاست با دوام ثبات آفرینی که تورم پایین تک رقمی را در این سرزمین برای سالیان متمادی تثبیت کند، عملیاتی نمی شود؟! چرا امکان مقابله با تورم های دو رقمی سی، چهل درصدی و حتی بیشتر، فراهم نیست؟ آیا در پایداری تورم و گرانی، منافی نهفته است؟ و براستی کدام جامعه ای از ترجیح منافع فردی بر منافع جمعی، به عاقبت خوشی رسیده است که بتوان به آن استناد کرد؟

چرا صنایع و ادارات که سالهای پیش، برای ابعاد رفاهی کارکنان خود اهمیت بسزایی قائل بودند، اکنون حداکثر به اصطلاح صرفه جویی را در تخصیص های رفاهی کارمندان و کارگران لحاظ می کنند؟

آیا زمان آن نرسیده است که سیاست های رفاهی با کارگزاری یک دولت رفاهی تمام عیار در ایران امروز دنبال شود؟ آیا وقت آن نرسیده است که با مهار ذینفعان، بویژه کارتل های اقتصادی و بانک ها، افسار تورم های ساختگی برای دست کم یک دهه آتی در ایران امروز مهار شود؟ آیا وقت آن نرسیده است که سوت پایانی بر مسابقه ثروت، فاصله و شکاف طبقاتی و فرد محوری در این سرزمین زده شود؟

باور کنیم اهالی این سرزمین، شایسته سطح رفاهی بهتری هستند؛ شایسته تکامل ابعاد مختلف شخصیتی و انسانی خویش هستند؛ شایسته یک زندگی کم دغدغه هستند و شایسته اطمینان از آتیه ای قابل قبول برای خود و فرزندانشان نیز هستند!

کلاه تان را قاضی کنید! آیا تمرکز بر مسائل اقتصادی، تمرکز بر شعارهای اقتصادی و تمرکز بر اهداف اقتصادی صرف در سالهای پایانی، توسعه قابل قبولی را برای ایران اسلامی عزیزمان به ارمغان آورده است؟ شاخص های کیفی زیست ایرانیان، امروز در چه وضعی است؟

نه اقتصاد همه چیز است و نه بهها دادن به کارتل های اقتصادی، در آرمان های متعالی انقلاب اسلامی مان که یک انقلاب فرهنگی ست جایگاهی دارد.

باور کنید؛ ایران امروز، بیش از همه، به یک دولت رفاهی و فرهنگی توانمند و مسلط به سیاست های ثبات آفرین، نیازمند است؛ ایران امروز، به معنای حقیقی کلمه نیازمند یک دولت فرهنگی رفاهی تمام عیار فراگیر است. /پایان

پیش شرط موفقیت یک دولت رفاهی در ایران، رفع موانع درآمد پایدار کشور است.

اگر چه بخش مهمی از این موانع با رفع تحریم، برداشته خواهد شد اما، بی توجهی به سایر مولفه های درآمد پایدار، ممکن است کشور را دوباره در چاه خام فروشی و وابستگی به نفت بیاندازد و کشور را درگیر دور باطلی از روزمرگی کند.



نهضت، با آگاهی نسبی از تحولات جهانی و با شناخت مسئولیت های اجتماعی روزنامه نگاری در عصر حاضر، پا به عرصه فعالیت حرفه ای مطبوعاتی گذاشته است تا نهضتی باشد برای آگاهی، تقویت جامعه مدنی، توسعه ایران اسلامی، ترویج و تعالی اقتصاد مولد و دانش بنیان و تلاش منسجم برای نشر عمومی مفاهیم مرتبط با چندجانبه گرایی در حوزه های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و امنیت جهانی.